

دوره ششم تقنینیه

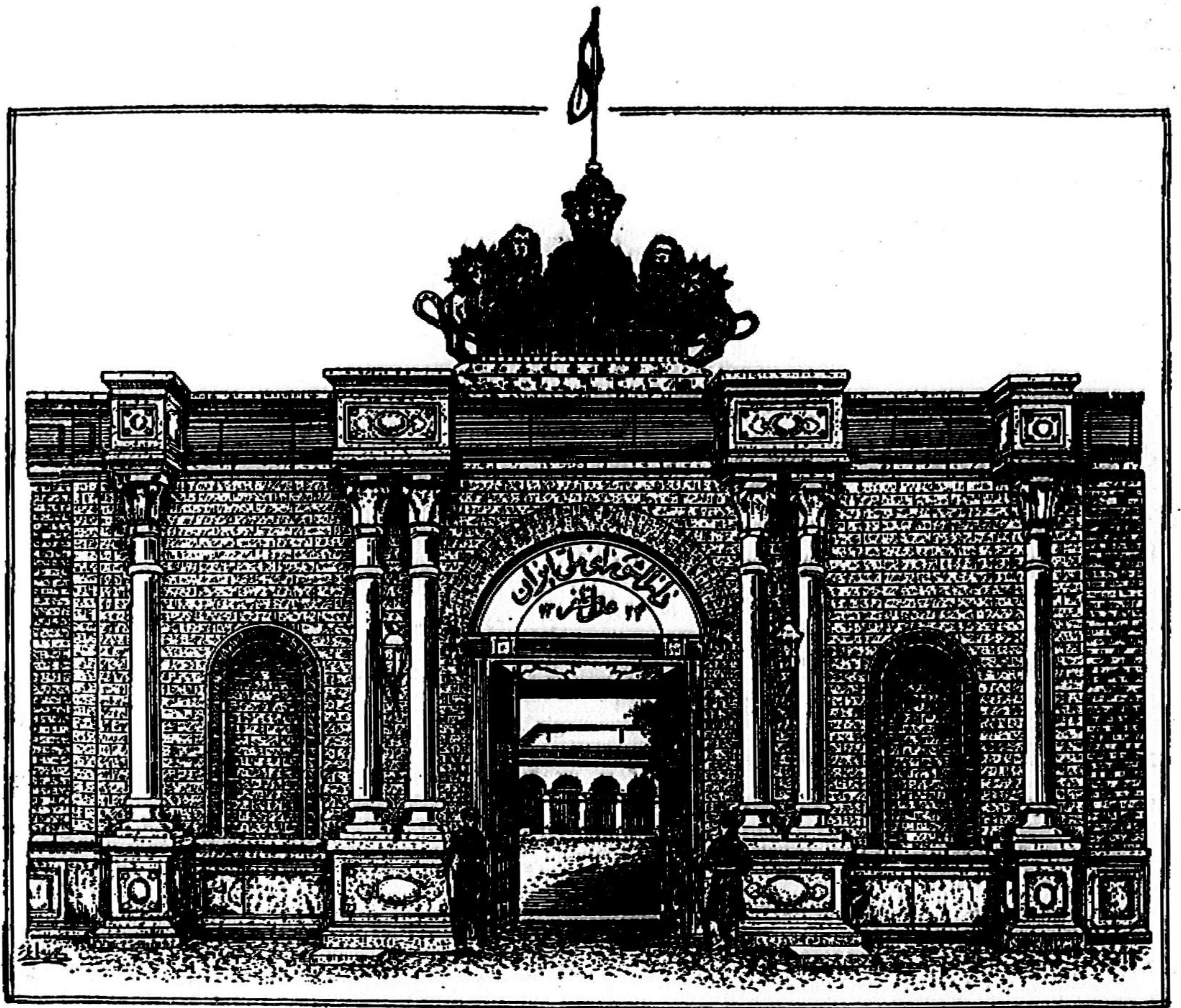
<p>جلسه ۱۴۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۰۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ ربیع الاول ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



# فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	رد مرخصی آقا بان امیر اسد الله خان عامری - محدودی میرزا - حاج میرزا مرتضی حاج میرزا عبد الحسین	۲۲۰۵	۲۲۰۶
۲	شور ثانی نسبت بخر کمیسیون داخله راجع بقانون بلدی از ماده ۱ الی ماده ۴	۲۲۰۹	۲۲۳۵
۳			
۴			





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۲۱ شهر بورماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ ربیع الاول ۱۳۴۶

### جلسه ۱۴۲

غائبین با اجازه جلسه قبل  
آقایان: ثقة الاسلامی - اسکندری - محمد ولی میرزا  
عدل - جوانشیر - میرزا ابراهیم آشتیانی - دکتر نقیان  
حاج شیخ عبدالرحمن - آیت الله زاده اصفهان

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای  
پیرنیا تشکیل گردید)  
(صورت مجلس روز یکشنبه نوزدهم شهریور را  
آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)



غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: خواجوی - آقا سید حسین آقابان - امامی  
خوئی - فرشی - حاج میرزا مرتضی - میرزا عبدالحسین  
حاج غلامحسین ملک - زعیم - امیر اسدالله خان - حاج  
آقا حسین رهبری - مولوی

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در صورت مجلس دستور راجع بقانون بلدی  
بود در صورتیکه امروز اضافات بلدی است  
بامداد - همان قانون بلدی است نه اضافات  
رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده اجازه را که خواسته بودم برای  
لطق قبل از دستور بود ولی در ضمن قرائت صورت  
مجلس دیدم بنده را غایب بی اجازه نوشته بودند عرض  
میکنم که بنده استعجازه کرده بودم ولی از قرار معلوم  
در ضمن غیبت کمیسیون عریض کلیه مرخصی ها حتی یکساعت  
را هم رد کرده است و علت درج غیبت در صورت جلسه هم همین  
بوده است که کمیسیون رد کرده است در حال بنده خواستم  
تقاضا کنم که این راپورتهای منفی در مجلس مطرح و  
مذاکره شود

رئیس - آقای طاهری

طاهری - راجع به بلدیة اصفهان پیشنهادی که بنده  
کرده بودم دو قسمت بود. یکی اینکه (سنوات بعد)  
مبدل شود به (۱۳۰۶) یکی هم این که جمله (فقط  
بکمترتبه) اضافه شود و هر دو قسمت را هم آقای مخبر  
قبول کردند تصویب هم شد ولی در صورت مجلس يك  
قسمتش را بیشتر متذکر نشدند این است که تقاضا  
میکنم آن قسمت دیگر را هم بنویسند که سنوات بعد  
تبدیل شد به ۱۳۰۶

رئیس - اصلاح میشود. آقای خواجوی.

میرزا صادق خان خواجوی - بنده را در صورت مجلس  
غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده مریض

بودم الان هم که قدری حالم بهتر شده است شرفیاب شدم  
استدعا میکنم مقرر فرمائید اصلاح شود و همانطور که  
آقای شریعت زاده اظهار فرمودند بنده هم همین عقیده  
را دارم که راپرت آن مجلس تقدیم و مطرح شود

رئیس - صورت غائبین رسیده است قرائت میشود.

( بشرح ذیل قرائت شد )

غائبین با اجازه جلسه قبل

آقایان: دکتر سنک - حاج آقا اسمعیل عراقی - امام  
جمعه شیراز - خطیبی - افشار - ضیاء - آقا علی زارع  
مهدوی - عباس میرزا - مسعود - فرمند - احتشام زاده  
وزیری - طباطبائی و کبلی

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: کی استوان - حاج آقا رضا رفیع - اسدی - روحی  
علی خان اعظمی - نظام مافی - شریعت زاده - میر ممتاز  
باسائی - حشمتی - قوام شیرازی - افسر - آقا زاده  
سبزواری - حاج حسن آقا ملک .

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: سهراب خان - شیروانی - جلالی - امیر حسین  
خان - دشتی - میرزا حسن خان وثوق

کازرونی - بالاخره همه

رئیس - آقای امامی

امامی - عرض کنم که بنده بوسیله تلفن از مقام  
ریاست استعجازه کرده بودم که بواسطه داشتن يك  
مریضی نتوانستم شرفیاب شوم آقای مولوی هم تلگرافاً  
از مقام ریاست استعجازه کرده بودند و بنده خودم  
تلگراف ایشان را تقدیم مقام ریاست کردم و میدانم  
بچه فلسفه کمیسیون ایشان را بی اجازه نوشته است؟

رئیس - کمیسیون اجازه نداده است. صورت مجلس

دیگر ابرادی ندارد؟

( گفتند خیر )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

پازده روز مرخصی نمودند کمیسیون مرخصی مزبور را  
تصویب نموده اینک راپورت آن تقدیم میشود .

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده تقریباً میتوانم عرض کنم که عقیده ام این است  
که مرخصی هائیکه آنها باید محدود باشد بلکه حتی الامکان نباید  
داده شود مگر در موقعی که مشخص شود که لازم است لکن  
بنده مخالف هستم. با تبعیضاتی که میشود...

زوار - تبعیض نمیشود...

کازرونی - چرا. آقا گویا عضو کمیسیون باشند.

زوار - افتخار میکنم. بوز ملت را نمی شود مفت

گرفت

کازرونی - ملاحظه فرمائید با اجازه هائی که  
مکرر و سابقاً سه ماه و چهار ماه و بیشتر و کمتر باشخاص  
داده شده بود يك نفر رفته است و برگشتار شده است  
حالا پازده روز مرخصی می خواهد با اینکه راهش هم  
خیلی دور است اجازه باو داده نمیشود .

میرزا هاشم آشتیانی - مریض است

کازرونی - بلی با اینکه مریض است مرخصی باو داده نمیشود

در صورتیکه در مقابلش سه ماه من غیر لزوم باشخاص اجازه

داده می شود ....

بکنفر از نمایندگان - آنها گذشته است

کازرونی - میدانم گذشته ولی من میگویم این چه  
عادتنی است که در وقتی که هوا گرم است گرم است و  
وقتی که هوا سرد است سرد است ( خنده نمایندگان )  
نمیدانم چطور این عواطف با هوا تغییر میکنند؟

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده حقیقه آقای کازرونی را بکنفر از اشخاصی  
میدانم که عقایدش با اقوالش مطابق است مکرر در اینجا راجع  
بکمیسیون عریض به بنده حمله میکردند در خصوص مرخصی ها  
و همین حالا می فرمودند که اینهمه غائب نوشته اند در  
صورت مجلس و همه غائبند و بقول اصولیین تخصیص  
اکثر است یعنی باید بنویسند که غیر غائب کیست که

رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون عریض رسیده  
است قرائت میشود .

( خبر راجع برخصی آقای امیر اسدالله خان عامری  
اینقسم قرائت شد )

آقای امیر اسدالله خان عامری نماینده محترم کاشان  
علاوه بر پازده روز مرخصی که قبلاً گرفته بودند تقاضای  
۱۵ روز دیگر مرخصی نمودند کمیسیون تقاضای ایشان  
را نپذیرفته و مرخصی ایشان را تصویب نکرد اینک  
راپورت آن تقدیم میشود

رئیس - رأی میگیریم بخبر کمیسیون آقایانی که تصویب  
میکنند قیام فرمایند .

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد

کازرونی - اشتباه شده است

عده از نمایندگان - خیر اشتباه نشد. بخبر کمیسیون  
رأی داده شد

رئیس - خبر دیگر :

( بشرح ذیل خوانده شد )

آقای محمد ولی میرزا نماینده محترم تقاضا نمودند نظار  
بگرفزاری که جهت ایشان پدش آمده نتوانسته اند استفاده  
از مرخصی خود در حدود تصویب کمیسیون نمایند لذا  
تجدید مرخصی نمودند کمیسیون با دادن مرخصی برای ایشان  
موافقت نکرده اینک راپرت آنرا تقدیم میباید

رئیس - رأی میگیریم. عفاذ خبر کمیسیون آقایانی  
که تصویب میکنند قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر: راجع برخصی حاج

میرزا مرتضی

( این قسم قرائت شد )

آقای حاج میرزا مرتضی نماینده محترم کرمان تقاضای



کمز است ولی حالا این طور میفرمایند. کمیسیون عرایض بینی و بین الله بك قدمهائی بر داشته است و کم کم نزدیک است بیک جایی برسد حالا ایشان مخالفت میفرمایند. خوب است که ایشان هم همراهی بفرمایند. راجع به تبعیض هم که فرمودند ابتدا تبعیض نشده بلکه بك انتظامی داده شده که اینقدر غائب نشوند.

رئیس -- آقایانیکه خبر کمیسیون را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد

(خبر راجع برخصی آقای میرزا عبدالحسین ابنطور قرائت شد)

آقای میرزا عبدالحسین کرمانی نماینده محترم تقاضای ۱۳ روز تجدید مرخصی نمودند کمیسیون با تقاضای مرخصی ایشان موافقت نکرده اینک راپرت آن تقدیم میشود.

رئیس -- رأی میگیریم بمقاد خبر آقایان موافقین قیام فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. خبر دیگر

(بشرح آتی قرائت شد)

آقای مقدم تقاضای دوماه مرخصی از یازدهم شهریور نمودند برای کارهای شخصی در کمیسیون تصویب نشد اینک راپرت آن تقدیم شد

رئیس -- آقای اعتبار

اعتبار -- بنده تصور میکنم اگر کمیسیون عرایض يك رویه منظمی را بگیرد که از روی عدل وانصاف باشد بهتر است..

آقا سید یعقوب -- زحمت نکش خودش می گوید نمی خواهم

اعتبار -- بنده بایشان کاری ندارم من روی رویه

باشد نمیدهند بنده از این رویه و رفتار کمیسیون متحیرم آقای مولوی از راه دور از آذربایجان میخواهند بیابند طهران البته مدتی وقت لازم دارد تا کارهای خودشان را تمام کنند و زود بیایند طهران با این حال گمان میکنم کمیسیون در این جا خلاف عدالت کرده است.

رئیس -- آقای زوار

زوار -- بنده معتقد باین اصل مهم هستم که بالکاء حسن نیت نمایندگان محترم خواهش کنم و تصدیق بفرمایند که ما دارای يك وظیفه نوکری نسبت بمردم و ملت هستیم. ملت از دسترنج خودش با حقوق میدهد که کار کنیم. چون بنده مفتخر بعضویت کمیسیون عرایض هستم خواستم عرض کنم که این رویه که کمیسیون اتخاذ کرده حقیقه عادلانه بوده چرا؟ برای اینکه اگر يك توجه مخصوصی بصدلی های مجاس شورای ملی بیندازید آتوقت حقیقه شرم آور است رای اینکه آقایانی که از مرخصی خودشان استفاده کرده اند سهل است ده بازده روز هم بر مرخصی خود اضافه میکنند لذا عقیده بنده این است که همانطور که نماینده محترم آقای امامی فرمودند و در نظام نامه هم مندرج و مصرح است باید عذر موجه داشته باشند. همانطور که آقای فرشی تصدیق نمایند محترم آقای دکتر رفیع خان را ارائه دادند بکمیسیون و کمیسیون هم تصویب کرد و الاصرف اینکه کار داشتیم کارم هم لازم بود نمیتوان عذر موجه دانست و استدعا میکنم که آقایان موافقت فرمایند که خبر کمیسیون تصویب شود نادر آتیه يك انتظام صحیحی برقرار شود که بتوانند برای ایفای وظیفه نمایندگی حاضر شوند

رئیس -- رأی میگیریم باین خبر آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهادی رسیده است قرائت میشود.

(این قسم قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بقیه راپرتهای کمیسیون عرایض در جلسه آینده مطرح شود. بهار

بهار -- بعقیده بنده خوب بود در این قسمت کمیسیون عرایض بك قدری بیشتر تعمق میکردند زیرا باید تصدیق بفرمائید که اگر اجازه مرخصی متوالی و متناوب از طرف نمایندگان خواسته میشود بالاخره در نتیجه آن تسامح و بخشش های فوق العاده سابق خود کمیسیون است پس این کمیسیون عرایض اوده است که در بك مدت مدیدی بلکه در چندین دوره در مورد اجازه خواستن آقایان نمایندگان سخت گیری نکرده است چون نکرده است و بصرف استجازه نماینده برخصی نمایندگان رأی داده است این باعث شده است که بعضی از نمایندگان در مواقعی که کار لازم داشته اند یا تابستان در پیش بوده است یا احتمال تعطیل میرفته است پنج روز ده روز مرخصی خواسته اند. بك مرتبه بدون سابقه خود کمیسیون عرایض عملی را که در نتیجه عمل اولیه خودش پیش آمده است آن را بخواد باز باین عمل افراطی نان لغو کند و جرح و تعدیل کند بعقیده بنده صحیح نیست و این از قاعده عدالت خارج است. زیرا بالاخره نمایندگان حق دارند اجازه مرخصی بخوانند کمیسیون عرایض هم باید از ابتدای دوره تقنینیه مراقب این قضیه باشد و هر اجازه را رأی ندهد پس وقتی که کمیسیون عرایض رأی پی در پی برخصی ها داده بدرجه که در این مجلس از طرف نمایندگان مخالفت شد در این صورت یکدفعه هم بخوانند جلوی مطلب را بگردانند این در مقابل آن افراط اولیه تقریباً ثانویه است. هم بك ضرر نهی جهت بدوستان خودشان خواهید زد و هم بك تظاهرات خواهد شد که بضرر خودشان تمام خواهد شد. این است که بعقیده بنده اگر این راپورتهای کمیسیون مراجعه شود یا مسکوت عنه بماند و در جلسه آینده مطرح شود بهتر است تا آقایان اعضاء کمیسیون عرایض هم بیشتر دقت بفرمایند که صورت مسئله لا اقل محفوظ بماند



و شکل کار افراط و تفریط نباشد چون همانطوریکه افراط در جای خود مضر است و مورد اعتراض تفریط هم بهمان درجه و بهمان دلیل مضر است. همان طور که بیست و پنج مرخصی را در يك روز تصویب می کنید همانطور اگر پنجاه مرخصی را هم در يك روز رد کنید این همان عیب را دارد که آن کار اولیه داشته است

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- اولاً آقایان توجه فرمایند که این مسئله يك مسئله اساسی است برای مجلس و مجلس ناچار است حالا که این مسئله مورد بحث شده است يك قدم اساسی بر دارد و نظامنامه را اصلاح کند پس اگر در این موضوع صحبت شود فرمائید يك صحبتی است بی نفع. خیر این يك صحبتی است که خیلی مفید است و اهمیت دارد هم مجلس و هم کمیسیون عرایض راحت میشوند و يك کار اساسی است. و اگر در اطراف این پیشنهاد آقای بهار مخالف و موافق صحبت کنند شاید در این بین يك ترقیبی بشود که هم تکلیف کمیسیون عرایض و هم تکلیف مجلس معلوم بشود و هم تکلیف کسانی که می خواهند عمل بوظیفه کنند. این مسئله مقدمه عرایض بود که خواستم عرض کنم. آقای بهار يك بیاناتی راجع به کمیسیون عرایض فرمودند که چون در سفر بودند مستحضر نیستند بنده در کمیسیون عرایض نیستم اما می خواهم دفاع از حقیقت کم زیرا در اینجا بنده و آقای بیات و دیگران حمله کردیم به کمیسیون عرایض. مهدوی هم رئیس کمیسیون بود. سخت حمله کردیم که آقا شما چرا اینقدر اجازه میدهید؟ مهدوی ما جواب داد که ما شش نفریم در کمیسیون. نماینده می آید ما را مأخوذ بجای می کند ولی مجلس شورای ملی نمی تواند مأخوذ بجای بشود. مجلس ما فوق کمیسیون است و می تواند رد کند با تصویب کند در مقابل ترضیفان که ما به کمیسیون عرایض کردیم کمیسیون آمد و این

رویه را اتخاذ کرد و تصدیق فرمائید که این رویه غیر عادلانه نیست. چون که مجلس شورای ملی آمد یک-ماه بلکه چهار روزی به تعطیل داد. آقایانی که از این تعطیل قانونی استفاده کردند علیحده آمدند دو ماه سه ماه اجازه گرفتند باز هم از مجلسان تلگراف می کنند. با کارت پستال می نویسند و اجازه می خواهند. پس بدنی و بین الله تصدیق فرمائید که اگر کمیسیون عرایض يك قدمی بردارد که بنمایند که این اندازه نمیشود راجع بانتظامات مجلس شورای ملی که بدست خودمان است (و باید مواظب انتظامات باشیم) ارخاء عنان نکنیم. آقا يك عده حاضرند و عمل بوظیفه می کنند اما يك عده حاضر نیستند. من ماهی سیصد تومان میگیرم و میروم در فرنگستان برای خودم گردش میکنم و بعد تقاضای تمدید مرخصی میکنم یا میروم فلان کار را میکنم این که نمیشود. باید يك کار اساسی کرد. امروز کمیسیون عرایض يك قدمهای اساسی برداشته است و بنده عقیده ام اینست که در تعقیب این قدمی که برداشته است باید ما هم اقدام کنیم و يك کاری بکنیم که تکلیف کمیسیون معلوم شود و بعد از این هر روز خبر مرخصی در مجلس خوانده نشود. و معین کنید که نماینده در سالی روی هم رفته يك ماه یا چهار روز یا دو ماه حق مرخصی دارد. سالی پنج ماه ولی شرط اینست که بنویسند يك ساعت قبل با يك ساعت بعد غایب بوده است اینها را هم جمع کنند آنوقت معلوم میشود که کی این جا کار می کند؟ بنده که زحمت میکشم میخواهم امتیاز داشته باشم دیگران هم که زحمت میکشند می خواهند این امتیاز را پیدا کنند و قدمهای عملی بردارند این است عقاید بنده. با این که هیچ میل نداشتم در مقابل فرمایش آقای بهار عرضی کرده باشم ولی این عرض از این نقطه نظر است که يك اساسی پیدا شده باشد تا يك قدمهای بزرگی برداریم و قدرت بدهیم مقام قوت ملت را. باید بقدری ما با عظمت قدم این جا بگذاریم که چه عرض کنم و من بعظم شعائر الله باشد این قدر

قدرت باید بدهیم. چون تمام اقتدارات و شؤونات اجتماعی در این جا است و باید آزا حفظ کنیم ولی وقتی که ما بی ملاحظه باشیم میرویم بیرون و نمی آئیم و رئیس باید این جا به نشینند و هی زنك زنند و کسی نمیداند در مجلس. چرا؟ میگویند اجازه داریم. آزادیم. آخر آقا يك قدری میخواستیم انجام وظیفه کنیم. اینقدر آزادی مطلق نداری آقا. آزادی داری که بازادی من ضرر زند نه این که من این جا به نشینم و دیگری برای انجام وظیفه نیاید. خوب است يك فکری بکنید پیشنهاد کنید سالی سه ماه چهار ماه پنجماه حق مرخصی دارند بشرطی که يك ساعت دو ساعت هم جمع بشود یا سالی يك ماه باشد و آنها را جمع نکنند اینها را تماماً ملاحظه کنید که کمیسیون و مجلس شورای ملی جریانش عادی باشد و يك قدمهای سریعی نسبت بمجلس شورای ملی برداریم

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بهار...

داد گر -- بنده عرضی دارم

رئیس -- پیشنهاد خروج از دستور است معمولاً دو نفر بیشتر حرف نمی زدند. رأی میگیریم باین پیشنهاد که بقیه خبرها مانند رای روز بعد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. پیشنهاد آقای مدرس.

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم دستور مجلس ابتدا قانون بلدیه باشد

رئیس -- خبر کمیسیون بودجه راجع به سیم کشی

اول بود بعد قانون بلدیه حالا آقای مدرس پیشنهاد فرمودند که قانون بلدیه مقدم باشد.

مدرس -- توضیحش واضح است قانون هست محل احتیاج و تمام مملکت آن را لازم دارد از این جهت بنده عرض کردم اول در دستور باشد تا هر روز بلدیها اختلاف نکنند و

قانونش بگذرد.

رئیس -- مخالفی ندارد؟

کازرونی -- بنده مخالف.

رئیس -- فرمائید.

کازرونی -- بنده نهایت موافقت را با پیشنهاد و نظریه حضرت آقای مدرس داشته و دارم. لیکن تصور میکنم سیم کشی شدت لزوم را دارد و علاوه بر این اینقدرها معطلی هم نخواهد داشت. ولی قانون بلدیها در يك مجلس و دو مجلس تمام نمیشود کارش اما سیم کشی ممکن است در يك جلسه تصویب شود کارش تمام شود چون در اقتصادیات و زندگانی مردم حقیقه مؤثر است و بکدم فوق العاده مفیدی است راجع به تجارت و اقتصاد. علاوه مدت منمادی هم طول خواهد کشید تا افزار و اسباب و ادواتش را از خارج وارد کنند. خوبست این لایحه مقدم باشد بعد قانون بلدیها مطرح شود.

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مدرس آقایانی

که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده اول -- بلدیها مؤسسه است ملی که مقصود از تشکیل آن حفظ منافع شهرها و ایفاء حوائج عمومی و تأمین آسایش اهالی در حدود مقررات این قانون است.

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- عرضی ندارم

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- تصدیق فرمائید که ما يك مؤسسه داشتیم قبل از مشروطیت بعنوان تشکیلات دولتی و يك مؤسسه هم با مشروطیت متولد شد. از آن جمله یکیش بلدیها است قانونی که برای بلدیها سابقاً نوشته شده بود صرفاً



ترجمه شده بود و البته قانونی که نکیه به تجربه و عمل داشته باشد مفیدتر است امروز هم بنده بمناسبت اینکه در لوحه سرسرا نوشته بودند اضافات بلدیہ جزو دستور است تعجب کردم زیرا نظر مجلس این بود که قانون بلدیہ باشد و ما نتوانستیم وقت خودمان را قبل از مجلس صرف دقت در این قانون بکنیم و به گمان اینکه اضافات مطرح میشود و از این قانون منصرف بودیم ولی آنچه در نظرم هست در شوراول و بعد از آن نظر همه این بود که آن چیزی که باید بر طبق آن و بر طبق مقتضیات وقت بلدیہ تشکیل شود و در شهرها دائر شود این قانون آرا نبرساند و وافی باین مقصود نیست بنده هم نظرم این است که ..

آقا سید یعقوب - در کلیات نباید صحبت کرد بامداد - ماده اول است در کلیات هم میشود صحبت کرد .

آقا سید یعقوب - حالا شور دوم است نمیتوانید بامداد - بنده عرض میکنم که این مؤسسه يك مؤسسه ملی است و باید این مسئله را كاملاً مراعات کرد که حقیقه يك مؤسسه ملی باشد. مؤسسه ملی باید بر طبق قانون استقلال نام داشته باشد زیرا تا کنون بلدیہهای ایران یا تشکیل نشده است یا حکام نگذاشته اند انتخاب شود با معاینه اش کرده اند. بنا بر این باید بمؤسسات بلدی استقلال داد و در این قانون این مسئله كاملاً رعایت نشده است. یکی دیگر عمل ادارات بلدیہ است و این مسئله فوق العاده مهمتر از قضیه اولی است و عمل ادارات بلدیہ باید طوری باشد که با حیات مردم اصطکاک پیدا نکند و در این قضیه هم این قانون به کلی مسکوت است شهر های ما محققاً يك شهر هائی است که مطابق وسائل حمل و نقل امروزه دنیا ساخته نشده است وقتی که این شهر ها ساخته شده در شگه هم نبود تا چه رسد بکامیون و اتومبیل. البته باید شهر ها را درست کرد ولی بطوری که اصطکاک پیدا نکنند با منافع مردم .

حالا خواهند فرمود که این مسئله جزو فروع است و در نظامنامه های بلدی این قبیل مسائل قید میشود بنده عرض میکنم که گاهی ممکن است که فروع طوری مهم بشود که جای اصول را بگیرد. عملیات بلدیہ یکی دو جا که بنده دیده ام واقعاً با حیات مردم اصطکاک پیدا کرده است. بلدیہ برای مردم است نه مردم برای بلدیہ. در شیراز آنوقتی که میخواستند اصلاحات بکنند چند نا طاق را خراب کردند یعنی ده بیست نا طاق را خراب کردند از این طاقها چند تایش متعلق بود به بعضی از خانواده ها که در تقسیم ملکشان شده بود و آنها بیرون ماندند و ماندند توی کوچه. آخر دنیا هم در باب بلدیہ ها عملیاتی دارد شهر ها را تربیت می کنند وسیع می کنند خیابان درست میکنند. ولی با يك ترتیب عادلانه و صحیحی. اولاً يك استمهالی قائل میشوند و می گویند وقتی که مهندسین نقشه برداری کردند و معین کردند که باید اینطور بشود آنوقت اعلان می کنند که یکسال بعد این جا را خراب می کنیم تا صاحب ملك تکلیف خودش را بداند با يك قرارى یا او بگذارد و باو بفهماند که اگر این خیابان وسیع شد مثلاً بقیمت ملك او افزوده میشود که بتواند يك معاملات برای آتیہ بکند با لا اقل اسپایش را بر دارد برود بیرون و متحیر نماند.

علاوه بر اینها قضیه مالکیت قضیه مستأجر هم مهم است. بکنفر ناجر بکنفر کاسب بکنفر بنکدار ساها زحمت میکشد تا آنجا را معرفی کند باسم خودش بآدرس و عنوان خودش تا مشتریهای آنجا را بشناسند دیگر این نمیتواند بیست سال دیگر جان بکند تا دو مرتبه معروف شود بدکان کی واقع در کجا. يك مرتبه بدون اطلاع دکان که بکنفر مستأجر دارد معامله کرده است قرض و طلب دارد مشتریهای آنجا را شناخته اند اول صبح که نشسته بیل و کلنگ میآید در دکانش که بالله باید این جا خراب شود. این هر چه طلب دارد از

میان می رود. آدرسش از میان می رود. باید باو مهلت بدهند که جایش را عوض کند و مشتریهایش معرفی کند. پس بنده عقیده ام این است که باید این دو مسئله یکی استقلال کامل بلدیہ در مقابل قانون که حکومت و وزارت داخله فقط نظارت داشته باشند و دیگری مراعات اصل عمل مأمورین در این قانون رعایت شود حالا این را آقایان نمایندگانت ممکن است بفرمایند که باید در نظامنامه نوشته شود و این فرع است بنده عرض میکنم که این فرعی است که از بس اصطکاک کرده است با حقوق مردم جای اصل را گرفته است و در این قانون باید این دو اصل کاملاً رعایت بشود و استدعا میکنم آقایان نمایندگان بفرمایند که مذاکره در کلیات کافی است و خوب است اجازه بدهند که بیشتر مذاکره بشود بلکه این قانون که يك مؤسسه ملی را نامین میکنند درست و از روی مراعات و مقتضیات وقت انجام گیرد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اگر میفرمائید که جواب آقای بامداد را عرض کنم ناچارم عرض کنم که شور اول نیست و شور دوم است. ماده اول هم ماده نیست که ام المواد باشد معذلك ام المواد هم باشد باز شور دوم است و نمیدانم در این جا میشود مخالفت کرد یا نه؟ مطلب دیگر اینکه خواستم تذکر بدهم که باید وزیر داخله (که خدای نخواستہ اگر ولات بگذارند باید این قانون را عمل کنند) حاضر باشد وزراء باید برای این قبیل مسائل در مجلس حاضر باشند. اینهم محض تذکر بود و الا بنده با این ماده موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم .

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم .

رئیس - آقای عمادی  
عمادی - موافقم  
رئیس - آقای مدرس  
مدرس - عرضی ندارم  
رئیس - رأی میکنیم بماده اول آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند .

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده دوم

( بشرح ذیل قرائت شد )

ماده دوم - امور راجعه به بلدیہ عبارت است از :

۱ - جمع و خرج عایدات و عوارض نقدی و جنسی بلدی

۲ - اداره کردن سرمایه ها و اموال منقوله و غیر منقوله متعلق بمحوزه بلدی

۳ - مراقبت در تهیه وسائل فراوان و ارزانی ارزاق و مابحتاج عمومی

۴ - اقدام در توزیع و تعیین مواد غذایی در موقع قحطی یا برای جلوگیری از وقوع آن

۵ - نظارت و تفتیش در صحت اوزان و مقیاسها

۶ - ساختمان و نظایف مساجد و معابر و مجاری میاه و پلهای شهر و زیر آنها و غیره احداث باغها و ورزشگاههای عمومی و روشن کردن شهر و مراقبت در اجرای تنظیمات راجعه بمیاه مطابق نظامنامه مخصوص

۷ - تهیه احصائیه های حوزه بلدی

۸ - مباشرت سجل احوال حوزه بلدی در حدود قانون مصوب خرداد ماه ۱۳۰۴

۹ - تهیه وسائل آراستگی شهر و مواظبت در اینکه معابر و ابنیه شهر بر طبق احتیاجات محلی موافق نقشه و قواعد علمی ساخته شود

۱۰ - مراقبت در امور صحی حوزه بلدی و معاونت عمومی بتوسط شعبه های طبی امدادی و مرخصخانه های



بلدی و دارالمجانین و سایر مؤسسات خیریه و حفظ اطفال بی بضاعت و انجانان تدابیر برضد امراض مسریه نهیه و مسائل برای جلو گیری از تلفات نفوس و مراقبت در امور غسلخانهها و دفن اموات. مواظبت در شرایط صحتی مواد غذایی. مراقبت در نظیف حمامها و امکانه عمومی بر طبق دستورات صحتی

۱۱ - اقدامات مقتضیه برضد سیل و حریق

۱۲ - اقدام در جلو گیری از گدائی و بیکاری بوسیله نهیه مشاغل و تأسیس دار العجزه و ایجاد مؤسسات اقتصادی بلدی و معاونت به اشخاصی که دچار پاره ای حوادث از قبیل سیل و حریق و زلزله و امثال آنها میشوند.

۱۳ - مراقبت در رعایت حفظ الصحه کارگران و ترتیبات صحتی کارخانجات و نهیه موجبات ترقی اخلاقی و جسمانی آنها بوسیله کنفرانسها و تشویقات دیگر و تعطیل روز جمعه در هفته باسهمه از اجرت و تعیین ساعات کار مطابق نظامنامه مخصوص

۱۴ - معاونت در توسعه معارف بوسیله تأسیس مدارس ابتدائی و تعلیمات اکابر و ایجاد قرائت خانها و کتابخانهها و موزه ها و کنفرانس های عمومی.

۱۵ - حفظ ابنیه و آثار عتیقه حوزه بلدی.

۱۶ - سعی و مساعدت در ایجاد و افتتاح نمایشگاه تجارتن و صنعتی برای ترویج حرفت و صنعت و تجارت حوزه بلدی.

۱۷ - حفظ نظامات صنفی و رفع مناقشات مربوطه بان مطابق نظامنامه مخصوص -

۱۸ - خرید و فروش و هرگونه معاملاتی که مصالح حوزه بلدی ایجاد می نماید واقامه دعوی و مدافعه از طرف بلدی در محاکم صالحه.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم.

رئیس - آقای شیروانی.

شیروانی - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - این جا بعقیده بنده يك مفاهیم کلی است و معلوم است در این مفاهیم کلی بنده نمیتوانم بگویم مخالف هستم لیکن بنده يك نظر بانی دارم که توجه میدهم نظر مخبر و مجلس را بآن نظریات و آن این است که این مواد و وظائفی را که ما برای بلدی معین کرده ایم بعضی هایش بنظر بنده اصطکاک با قوانین پیدا میکند. مثلاً این جا آن قسمتش که راجع بمعارف است. در قانون اساسی می نویسد که کلیه مکاتب و مدارس باید در تحت نظر وزارت معارف باشد. این جا ما میگوئیم که بلدی باید دارای مدارس ابتدائی باشد آنوقت در یکجائی که بلدی قدرت داشته باشد اصطکاک پیدا میکند با قانون وزارت معارف و قانون اساسی. همین طور راجع بصحبه بنده میدانم که بلدی طهران صحبه اش خیلی خوب است و بنده واقعاً چشمم روشن است بمؤسسات عام المنفعه بلدی طهران و اقدامات خیلی مفید آنها از قبیل دارالمعجزه و دارالمساکین و يك عده از این فقراي قزوینی بیچاره را جمع آوری کرده است اینها تماماً صحیح است ولی نمیشود کارها را بطور متفرق در قانون قرار داد باین اعتبار که این کارها خوب است. ما باید تمام اینها را در تحت نظر بگیریم. ما يك قانون نوشتیم برای صحبه (توجه میدهم آقای مخبر را بعراض خودم که بعضی از این فقرات اصطکاک پیدا میکند با قانون) و قرار دادیم که تمام صحبه ها در تحت نظر صحبه کل مملکتی باشد و آن را مستقل و مجزا قرار دادیم حالا این جا نوشته است: مراقبت در حفظ الصحه کارگران. اینها باید با مأمورین صحبه کل باشد اینهم يك مسئله. مسئله دیگر که در نظر داشتم راجع بکلمه

و غیره است ما باید همیشه در قانون ملاحظه کنیم که از کلمات مبهم اجتناب کنیم علی الخصوص وقتی بدست مأمورین می افتد. مأمورین ما که واقعاً رجال الغیب نیستند البته يك مأمورینی هم دارند مثل بنده. و باید از این کلمات اجتناب کنیم که بر خلاف واقع و برخلاف قانون تعبیر نکنند و مورد سوء استفاده قرار ندهند این کلمه و غیره هم از همان کلمات است که کلمه کس داری است و میشود همه جا نمسك بان بچوبند و مداخله کنند و بیایند در خانه فلانکس و فلان ملک باعتبار این کلمه و غیره، و بنده عقیده ام این است که باید این عبارت توضیح داده شود که یعنی چه. بعد از این که ما عملیات مأمورین خودمان را دیده ایم که گاهی در مورد نفع خودشان گاهی را کوهی کرده اند و کوهی را کاه کرده اند باید خیلی در این موارد ملاحظه کنیم که در قانون کلمات کس دار و مبهم نوشته نشود باین جهت بنده از این کلمه میترسم و چون مبهم است با آن مخالف هستم. يك چیزی دیگر هم دارد که بعد برایتان میخوانم و آن کلمه امثال ذلك است که آنها مثل کلمه و غیره است این را هم از آقای مخبر تقاضا میکنم که طوری اصلاح کنند که ابهامش رفع شود زیرا نظر واضع قانون يك نظر خوبی است و برای صلاح و صرفه عامه است و این عبارتی را که در این قانون است و عرض کردم يك عبارات مبهم و کس داری است و از آن يك استفاده های سوئی میکنند پس باید يك کاری بکنیم که دست آنها از سوء استفاده کوتاه باشد مسئله دیگر مسئله عایدات و جمع و خرج است که میخوانم نوشته است: جمع و خرج عایدات و عوارض نقدی و جنسی بلدی. در این جا هم عقیده بنده این است که این يك کلمه مطلق است جمع و خرج عایدات یعنی اینکه صندوق بلدی در مالیه باشد و جمع و خرجش در این جا باشد؟ بنده که به این عقیده ندارم زیرا عوائد بلدی جزء عوائد کل مملکتی نیست مالیه مأمور است که جمع و خرج عوائد مملکتی

را بکند نه عوائد شهری را جمع و خرج عوائد شهری به عقیده بنده با خود بلدی است شاید سابقه در تمام جاها اینطور باشد. ما که سابقه مشروطه نداشتیم و سابقه بر حسب استفادات علمی است که میکنیم پس بلدی باید جمع کند عوائد شهری را و وقتی که جمع کرد باید دست خودش باشد نه اینکه در خزانه عمومی برود و از آن جا خارج شود در اینجا جمع و خرج عایدات و عوارض نقدی و جنسی بلدی مطلق است و نمی نویسد که این عایدات دست بلدی خواهد بود در صورتیکه مقصود این است که خودش جمع کند و خودش خرج کند نه اینکه خودش جمع کند و وارد صندوق عمومی کند و از صندوق عمومی بگیرد و خرج کند این هم يك چیزی است که بعقیده بنده باید يك توضیحی درش داده شود حالا برای روشن شدن فکر نمایندگان محترم راجع به این ماده لایحه را میخوانم که توجهشان بدهم: اقدام در توزیع و تعیین مواد غذایی در موقع قحطی یا برای جلوگیری از وقوع آن، نظارت و تقنین در صحت اوزان و مقیاسها، ساختمان و نظیف معابر، مجاری میاه، پلهای شهر زیر آنها و غیره، این و غیره باید معلوم شود که و غیره آن چه چیز است چون مطلق است بنده مخالفم بعد تا این جا می آید که مینویسد نهیه احصائیه های حوزه بلدی و غیره مباشرت سجل احوال حوزه بلدی نهیه و مسائل آراستگی شهر و مواظبت در اینکه معابر و ابنیه شهریه بر طبق احتیاجات الی آخر. مراقبت در امور صحتی حوزه بلدی و معاونت عمومی. در این جا هم يك محل مقصود بنده بود که باید این لایحه طوری تنظیم شود که اصطکاک با قوانین دیگر پیدا نکند و يك قانونی که رای يك جائی مینویسیم در يك جا، دیگر آنرا نقض نکنیم که او بتواند رفع مسؤلیت از خودش بکند و بگوید شما در جای دیگر دست مرا بسته اید کارها و قوانین در مملکت مشروطه باید مسؤل داشته باشد و معلوم باشد این جا مخلوط به هم است و اگر



پیدا کردیم يك كسانی که عمل نکردند و از آنها سؤال شد که چرا قانون را اجرا نکردید نگویید در جای دیگر دست مرا بسته اید البته باین حال میتواند سلب مسؤلیت از خودش نکند این هم باید توضیح داده شود و درست شود. بنده نظر خصوصی ندارم نظرم این است که قانون درست شود، بله مینویسد: مراقبت در امور صحتی حوزه بلدی و معاونت عمومی بتوسط شعبه های طبی امدادی و مریضخانه های بلدی و دارالمجانین و سایر مؤسسات خیریه و حفظ اطفال بی صاحب و اتخاذ تدابیر بر ضد امراض مسریه این قسمت هم داخل در اختیارات اداره صحیه است، تهیه وسائل برای جلوگیری از تلفات نفوس و مراقبت. بلی در قسمت دیگر اقدامات مقتضیه بر ضد سیل و حریق، اقدام در جلوگیری از گدائی و بیکاری بوسیله تهیه مشاغل و تأسیس دارالعجزه و ایجاد مؤسسات اقتصادی بلدی و معاونت به اشخاصیکه دچار پاره حوادث از قبیل سیل و حریق و زلزله و امثال آنها میشوند این (امثال آنها) هم این جا مبهم نوشته شده...

عمادی - يك کلمه بفرمائید که مبهم را تفصیل بدهند...

آقا سید یعقوب - برای اطلاع دادن است که توضیح میدهم. مراقبت در رعایت حفظ الصحة کارگران باز در اینجا يك اصطلاحی با اختیارات صحیه پیدا می کند قسمت دیگر نوشته است: معاونت در توسعه معارف بوسیله تأسیس مدارس ابتدائی، مدارس مطابق قانون اساسی باید تحت نظر وزارت معارف باشد در این قسمت هم باید توضیح داده شود که چه معاونتی بلدی باید بکند که اصطلاح با آن قانون نکند يك مسئله دیگری را که میخواهم عرض کنم این است که ما این قانون را میگذرانیم ولی باز این مؤسسه هم باز بجهت دست حکومت است حکومت شیراز بلدیة قانونی آنجا را منحل میکند سؤال هم میکنیم جواب نمیدهند

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که ام المواد قانون بلدیة همین ماده است و چون آقای آقا سید یعقوب در اینجا مفصلاً صحبت کردند بنده لازم میدانم بعضی شبهات رفع شود. عرض کنم بطوری که خود آقا میدانند کارها ممکن است حیثیات مختلف داشته باشد. مسئله معارف و نظارت غالبه وزارت معارف در مدارس نمایی و مزاحمتی با توسعه و کمک معارف از طرف بلدیة در شهر ندارد هر کدام از اینها در جایی خودش و نوبه خودش محفوظ است و هم چنین است راجع به صحیه وزارت معارف در امور معارفی و صحیه در امور صحتی يك جنبه عمومی دارد که به کارهای مربوطه نظارت میکند و بلدیة باید يك پست های امدادی تهیه کند و به مردم کمک کند و البته در گرفتن دستور و تعلیم مطابق قانونی است که قبلاً وضع شده و هیچ مزاحم نیست. راجع به يك کلمه غیره هم که در این جا داشت يك اعتراضاتی فرمودند بنظر بنده غیره در اینجا لازم است و غیره ملاحظه با آن نوع مطالبی است که قبل از آن ذکر شده و يك چیز نالی بر آن مطالب نمی آورد و بعلاوه باید وضع قانون يك طوری باشد که دست مجریش را باز کند مثلاً ما در مالیات اصناف مصمم شدیم تمام موارد را اسم ببریم و از نوشتن و غیره هم امساک کنیم. ولی اطلاع داریم چنانچه آقای دشتی فرمودند بسیاری از این موارد هست که در قانون ذکر نشده و بواسطه اینکه در مجلس مذاکره شده بود که تمام اقسام مالیاتها ذکر شود با اینکه و غیره را هم داشت میگویند چون این قلم را در قانون اسم نبرده اند باید گرفته شود پس ما نمیتوانیم تمام موارد را اسم ببریم و این در مالیات اصناف يك اشکال عظیمی را تولید کرده است برای اینکه میگویند فلان مورد پیش بینی نشده. اینکه فرمودند جمع و خرج عوائد بلدی طوری نوشته شده است که متصدی وصول و نگاهداری آن معلوم نیست عرض می کنم اگر

بنده چهارم مراجعه بفرمائید معین کرده است که متصدی وصول خود بلدیة است و همانطوری که نظر آقا هست ما منظورمان این است که بلدیة استقلال داشته باشد و بتواند کارهای خودش را انجام دهد و مسؤلیت بعهده خود بلدیة است. آخر بدون اختیار که مسؤلیت تصور ندارد. باو هم اختیار داده ایم که بتواند مسؤلیت خودش را ایفا کند. بنا بر این تمام اشکالات را که فرمودید از حیث معارف و صحیه دیگر وارد نیست و هر کدام شعبه مستقلی است. در باب و غیره هم گفته شد که ملاحظه با مطالبی است که قبل از آن ذکر شده و چیز خارجی را در مطلب وارد نمی کند و از طرف دیگر درپ را نمی بندند که اگر يك مورد دیگری را بدانند بواسطه این نحو در عبارت نتوانند آن کار را بکنند راجع به جمع و خرج هم چنانچه عرض کردم توضیحش در ماده چهارم ذکر شده است يك چیز دیگری را می خواهم عرض کنم که این قانون بلدیة پنجاه ماده است از رفقا خواهش می کنم که يك مرتبه تمام قانون را مطالعه فرمایند و کلیه مطالب و مواد را در نظر بگیرند که این گونه اشکالات کمتر تولید شود چون در تهیه این قانون خیلی دقت شده و کمیسیون هم در این باب يك زحمت فوق العاده کشیده و چندین جلسه وقت خود را صرف کرده است فقط رفقا هم باید يك قدری مساعدت کنند که در قضایا تمام قانون را ملاحظه فرمایند چون خیلی از مطالب هست که در ماده مسکوت است و در جای دیگر توضیح داده شده که اگر به او مراجعه شود ناطق دیگر محتاج به حرف زدن نمی باشد چون مطالب در جای خودش همه ذکر شده و نقص ندارد و اگر به تمام قانون مراجعه کنیم و از گفتن های زیادی که موجب تأخیر انجام این مقصود خوب است مستغنی میشویم.

رئیس - آقای کاژررنی

کاژررنی - همه آقایان میدانند که قانون از عادات

و اخلاق عمومی مردم گرفته و نوشته میشود. با يك نظر قهقهرائی به ترتیب اجرای قوانین موضوعه خودمان می بینیم که ما يك قانونی را که از مجلس گذرانندیم همین که به دست اجرا دادیم چه صورت پیدا کرد و حقیقه نسخ شده است و به بینیم همانطوری که ما يك معانی برایش در نظر گرفتیم و تصویب کردیم همان معانی را رعایت کرده اند و اجرا کرده اند یا خیر؟ چندی قبل اگر آقایان خاطر شان باشد یکی از مواد قانون مجازات عمومی را عدلیه سابق آمده بود يك فشاری داده بود دوازده بجه ماده ازش تولید شده بود از جمله این بود که کسی صدایش بلند نشود کسی نگوید بخ داریم، کسی نگوید بخ میخواهیم همینطور چیزهای دیگر که بعقیده بنده اگر چند فشار دیگر میدادند پانصد، شصت ماده ازش تولید میشد. يك قانونی گذرانندیم که جلوگیری کنند از استعمال تریاک اسمش را هم گذاشتیم تحدید تریاک این قانون در ضمن اجرا کارش بجائی رسید که مالیه داشت شیره تریاک را نحمیل میکرد به مردم که ما چه میدانیم باید بکشید رو بهمرفته کار مالیه بجائی رسیده بود که تریاک فروشی و ترویج کشیدن تریاک میکرد چرا؟ در اثر همان تغییراتی بود که در قانون کرده بود این مسئله همیشه از عادات عمومی ما است. يك قانونی نوشتیم برای انجمن های ایالتی و ولایتی بعقیده بنده واضح آن قانون از روی دانائی آن قانون را وضع کرده بود لیکن بقدری آن قانون مورد سوء استعمال واقع شد که تا هذه الساعة آن سوء استعمال بیچاره و بد بخت مردم را از حقوق ایالتی و ولایتی خود محروم کرده و هر چه مردم فریاد می کنند که این حق را دو مرتبه بما بدهید نمیدهند معلوم هم نیست بعدها حق تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی را مردم بدهند که چه البته سبب اصلیش این بود که تماس میکرد با اقتدارات همیشه اوقات ما باید در نظر بگیریم که آنها تیکه زمام دارند، کار دارند، اقتدار در



شد می آید کار میکنند راضی نشد کار نمیکنند. حالا قبل از هر چیز ما به بلدی به اجازه بدهیم که تو برو ساعات کار را معین کن خیلی بيمورد است.

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- بنده تصور میکنم که نماینده محترم اجازه گرفته بودند صحبت بفرمایند چون موقع مخالف به ایشان رسید میل داشتند که مخالفت فرموده باشند والا فرمایشاتی که فرمودند يك قسمتش اساساً ارتباط با این ماده نداشت و يك قسمت دیگر را بنده ملتفت نشدم مقصودشان چه بود. اولاً اینکه فرمودند قوانین را که به دست مأمورین میدهیم سوء استفاده میکنند و او را بد اجرا میکنند، اتفاقاً این موضوع برعکس است، قانون را بدست نماینده های ملت میخواهیم بدهیم که خوب اجرا کنند ما این قانون را مینویسیم برای يك مؤسسه ملی که ناشی از خود ملت است و انجمن دارند و بالاخره هیچ مأمور دولت نباید دخالت داشته باشد و هر قدر ما بتوانیم در این قانون مخصوصاً از این کلمه های و غیره و غیر ذلك استفاده کنیم که دامنه عملیات بلدی های ملی را وسعت بدهیم باید حتی الامکان سعی کنیم که این کار را بکنیم انجمن بلدی باید کاملاً يك روزی دارای يك اقتدارانی باشد که کارهای شهر را به دست مأمورین دولت نهد پس اگر يك کلمانی در این جا هست که انجمن بلدی به بتواند از آن کلمات استفاده کند و دائره عملیات خودش را توسعه دهد بهتر است. آقای کازرونی را بنده غالباً می بینم دارای این عقیده هستند اما مثلی که زدند راجع به یکی از مواد قانون جزا که گویا آن ماده خلافی بود و ربطی به جزا نداشت این مثلشان بعقبه بنده نتیجه معکوس داشت برای اینکه اگر فرضاً بتوان از يك ماده قانون استفاده کرد و يك جامعه را تربیت کرد که نصف شب که وقتی شما در خانه نان خوابیدید از خواب بیدار نان نکنند و عربده نکنند این کار بدی

دستشان است يك قدری محدودشان بکنیم عملیانشان را توضیح بدهید، نگذارید قانون را تغییر کنند، يك الفاظی را اینجا آورده است و این را مدرک قرار داده است مثلاً مراقبت این مراقبت ممکن است هزار جور تعبیر شود و کارش بمقاربت هم بکشد (خنده نمایندگان) يك جای دیگر نوشته است اقدام، اقدام چطور می کنید؟ اقدام بچه وسیله باید کرد؟ راهش را باید نشان داد. بنده عقیده ام این است که اگر چنانچه این قانون را بدست بلدی ها بدهیم بالاخره اسباب زحمت برای مردم تولید میشود باید الفاظش را محدود کنیم و توضیح بدهیم که مراد از اقدام چه چیز است و چطور اقدام کنند. مثلاً میگوید توزیع ارزاق برای جلوگیری از گرانی، این توزیع ارزاق کند یعنی ارزاق را به تمامه خودش بگیرد و به مردم توزیع کند به اسم اینکه بعدها قحطی نشود؟ این کار را در همه وقت ممکن است بکنند میگویند ما میخواهیم جلوگیری از قحطی ارزاق را بگیریم و توزیع کنیم از جمله مثلاً می نویسد ساعات کار را باید معین کند يك وقتی آقای مدرس فرمودند آن ولایاتی که ساعات کار را معین کرده اند يك کارخانه های خیلی زیادی دارند و يك وسائلی برای خرابی آنها ایجاد کرده اند ما که هنوز کارخانه نداریم که ساعات کار معین کنیم و علاوه بر این الان در ادارات ما ساعات کار معین شده است روزی چهار ساعت یا پنج ساعت یا بالاخره روزی شش ساعت آنهم به اسم نازه معلوم شده است با این عادت که در بعضی موارد يك تند رویهایی داریم و در بعضی موارد دیگر يك کند رویهایی این اسباب زحمت برای مردم میشود کدام کار؟ کدام کارخانه کدام کارگر؟ تمام مردم ایران کار کنند، ما کارخانه نداریم که بروند ساعتش را معین کنند. ساعات کارها بسته به تراضی است بنده يك نفر فعله میگیرم و میگویم که پنجهزار میدم که بروی برای من دوازده ساعت کار کنی راضی

نیست، بعقبه بنده چون يك قدری گوشه ایمان عادت کرده است حالا بدمان می آید که در آن واحد انواع و اقسام صدا های منکر را از گوشمان دور کنند ولی اگر يك مدتی عادت کردیم آن وقت اگر نظمی به جلو گیری نکنند حضرتعالی اعتراض خواهید کرد بعقبه بنده باید از الان تعقیب کرد. اما اینکه فرمودند مراقبت و اقدام، این دو کلمه را مخصوصاً بنده یاد داشت کردم و شرحی هم تنقید کردند از این دو کلمه ممکن است ملاحظه بفرمائید که اگر بجای کلمه اقدام يك کلمه دیگر بنظرتان میرسد که سوء استفاده نشود پیشنهاد بفرمائید البته کمیسیون هم قبول خواهد کرد بنده نمی دانم بجای کلمه اقدام برای آن مفهومی را که از آن می خواهند چه استعمال کنند؟ و چطور از این کلمه سوء استفاده می شود؟ این را که بنده نفهمیدم. اما در قیمت ساعات کار، این يك موضوعی است، بالاخره ما معتقد هستیم که اگر يك شخصی در مقابل پنج قران یا يك تومان یا مثلاً ده تومان حاضر شود که عوض هشت ساعت چهارده ساعت کار کند بسیار بسیار غلط است و باید جلویش را دولت بگیرد چون ممکن است يك شخص از روی استیصال و بد بختی و گرسنگی برای شما حاضر شود که زیاد از ساعات معمولی کار کند. این را بنده مخالفم و باید این را دولت یا بلدی (البته چون این موضوع يك موضوع ملی است باید انجمن های بلدی) ساعات کار را معین کنند که نشود از اوقات يك بد بختی استفاده کرد این بزرگترین ظلم است پس معلوم شد همانطور که عرض کردم مخالف ایشان طرداً للباب بوده است.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است؟

رئیس -- مذاکرات کافی است؟

(گفته شد بلی)

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای فهمی

کیخسرو

(بند و ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم جزء اول از ماده ۲ بطریق ذیل نوشته شود:

اول -- تهیه بودجه بلدی و نظارت در جمع و خرج عوارض نقدی و جنسی آن

رئیس -- آقای فهمی

فهمی -- جزء اول از ماده ۲ همانطوری که آقای آقا سید یعقوب اشاره فرمودند خیلی مطلق و مبهم است و حتی عبارت فارسی هم نمی شود به او گفت امروز جامعه بلدی به عبارت است از جمع و خرج عایدات و عوارض نقدی و جنسی بلدی. این یعنی چه؟ تصویب جمع و خرج نظارت در جمع و خرج؟ دیدن جمع و خرج؟ چندین قسم می توان تعبیر کرد راجع بوصول عواید چنانچه اظهار شد در ماده ۴ قید شده قسمت اول از وظائف بلدی به یکی تهیه بودجه است و یکی نظارت جمع و خرج این دو موضوع که از وظائف بلدی است معلوم می شود که بلدی در جمع و خرج چطور نظارت کند و البته مطلق جمع و خرج بلدی معنی ندارد

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم که اینجا باید همانطور و همان نکته باشد که ایشان اعتراض دارند. بلدی همانطور که اظهار شد يك مؤسسه ملی است و اختیارات زیادی هم در کارها باید داشته باشد ما میخواهیم هم تهیه کند هم نظارت کند و چون کلمه جمع و خرج تمام این مفهومات را داشت ما آنرا انتخاب کردیم تا نکته نداشته باشیم يك چیز مخصوصی را که يك چیز دیگری را نمی کرده باشد.

رئیس -- رأی میگیریم به قابل توجه بودن این

پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای ارباب



(بدین مضمون قرائت شد)

بند پیشنهاد می‌کنم فقره ۲ از ماده ۲ این قسم اصلاح شود:

دوم - اداره کردن سرمایه ها و اموال منقوله و غیر منقوله متعلقه به بلدیة آن حوزه

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - این جا وقتی مراجعه می شود به ماده ۵ حوزه بلدیة را تشخیص میدهد. از روی مدلول آن اگر این فقره تصویب شود ممکن است يك وقتی اشتباه شود و دست بلدیة را باز کند به سرمایه های مردم برای اینکه مینویسد: متعلقه به حوزه بلدیة یعنی سرمایه های مردم از این جهت و برای اینکه يك وقتی اشتباه نشود بنده پیشنهاد کردم به بلدیة آن حوزه یعنی آنچه که مال خودش است نه اینکه اختیار مال مردم را هم داشته باشد.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که این اشتباه هیچوقت واقع نمیشود برای اینکه بعضی از قواعد و قوانین بقدری روشن است که محتاج بتوضیح نیست. و اینهم از قواعد و قوانین اساسی ما است که هیچکس نمیتواند در مال دیگری دخالت کند و بلدیة هم حق دخالت در متصرفی و املاک مردم ندارد و بداهت دارد که در متعلقات خودش دخالت میکند.

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن این

پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای حاج

شیخ بیات.

(اینطور خوانده شد)

جزء ۶ از ماده ۲ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

۶ - ساختمان و نظایف مساجد و معابر و مجاری

میاه پلهای شهر، زیر آنها با حفظ حقوق صاحبان ملك احداث باغها و ورزش گاههای عمومی روشن کردن شهر و مراقبت در اجرای تنظیمات راجعه به میاه مطابق نظامنامه مخصوص

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده در موقع مذاکره در ماده اجازه خواستم مذاکرات کافی شد و نتوانستم این عریاض را عرض کنم. چون اجازه دادن به بلدیة برای توسعه معابر بدون حفظ حقوق مردم بعقیده بنده غلط است باید اداره بلدیة حق داشته باشد که ساختمان معابر را و توسعه برهد ولی با حفظ حقوق مردم یعنی بعد از آنکه تصمیم گرفت برای يك چنین کارها یا باید قیمت املاک را به صاحبانش بپردازد و با ترتیب دیگری که حقوق مردم پامال نشود. این بود که بنده پیشنهاد کردم با حفظ حقوق صاحبان ملك برای اینکه ملاحظه فرمائید الان هم همینطور شده است البته صاحبان ملك هم نباید بی اعتدالی بکنند چون این کار منافع عمومی دارد ولی اصولا نباید حقوقشان پامال شود باید هم حقوق آنها محفوظ بماند و هم معابر توسعه پیدا کند این بود که بنده این پیشنهاد را کردم.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که مکرر در مجلس شورایی مذاکره شده است که در قضایای واضحه و آنچه را که قوانین اساسی حمایت میکنند ما آنها را تکرار نکنیم چون تکرار در این موضوع ها گانه تردید در این است که قوانین اساسی قوت خودش را دارد یا ندارد قانون مالکیت که از قوانین محکمه اسلام است این دیگر بحث کردن ندارد و آن مثل این است که يك شخصی در این بین پیدا میشود که این موضوع را تردید کند. عرض کنم البته اموال و املاک مردم در تحت قوانین مملکتی محفوظ و مصون است و نباید در هر موقع تذکر بدهیم بنده واضح عرض می کنم کسانی که بنام حمایت از قوانین اساسی يك مطالبی را تذکر میدهند

قوانین اساسی را تزلزل میدهند مگر هر چیزی که در این مملکت قانون دارد و از اصول ثابتة و مسلمة است آن را باید در هر قانونی جابرائش باز کرد؟ خبر آن جایش باز است و این اظهارات زائد است

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد

آقایان موافقین قیام فرمایند

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای حقنویس

(اینطور خوانده شد)

این جانب پیشنهاد میکنم در فقره ۶ ماده ۲ از مراقبت در اجراء الی آخر تبدیل شود بان طرز: سعی در تهیه وسایل سیراب کردن حوزه بلدی چه بوسیله پیدا کردن آب و چه بوسیله تنظیم و تقسیم آن

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - چون در فقره ۶ فقط نوشته شده است مراقبت در اجرائی تنظیمات میاه و راجع به اینکه در صورتیکه حوزه بلدی آب ندارد تهیه کند اشاره نشده است در صورتیکه در اغلب شهرها بواسطه نبودن آب اهالی در زحمتند و یکی از مسائل مهمه که مربوط به زندگانی اهالی شهر هاست و باید بلدیة مراقبت داشته باشد این است که باید آب برایشان تهیه کند لهذا بنده پیشنهاد کردم که در حوزه بلدیة اگر آب دارند که وسیله تنظیم و اگر آب ندارند آب فراهم کند.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده عرضی ندارم.

میر ممتاز (مخبر کمیسیون داخله) - فقره ۶ را که آقا فرمودند گویا اشتباه با شور اول فرموده باشند زیرا در شور دوم این طور نیست در شور دوم این است که بلدیة مکلف است راجع به میاه يك نظامنامه هائی تدوین کند و البته در ضمن تدوین آن نظامنامه آن چیزهایی را که آقا فرمودند نامین خواهد شد.

حقنویس - اجازه میفرمائید؟

رئیس - میخواهید پیشنهادتان را پس بگیرید

حقنویس - میخواهم توضیح بدهم که فقره ۶ را که بنده عرض کردم مطابق لایحه راپورت بین الشوری بود

رئیس - این قانون مراجعه شده بود به کمیسیون

کمیسیون سابق يك خبری داد آن کمیسیون دوره اش سر رسید کمیسیون جدید آن خبر سابق را ناپدید کرده و يك ورقه جدا گانه راپورت داده که در دو سه جا تغییر میکنند و باید اصلاح کنید. اگر آن ورقه پیش جنابعالی نیست ممکن است بخواهید در هر صورت ماده که قرائت شد از روی این ورقه بود که عرض کردم.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای حقنویس

آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا

سید یعقوب

(بنحو ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که کله و غیره حذف شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بیاناتی را که آقای دادگر فرمودند در مجلس شورای ملی که هستیم همه اش صحیح است و اجرا کنندگان همه شان يك مأمورینی هستند که درست عمل میکنند و وزراء هم در اینجا که هستند کاملا مطیع قانون هستند ولی از اینجا که بیرون رفتند نه قانون است و نه مجلس و نه عمل به قوانین. درست است ما این قانون را میدهیم به دست نماینده های بلدی و نماینده های ملت که در انجمن بلدی می نشینند ولی آیا مأمورین اجراء غیر از مأمورین نظمیة یا حاکم است؟ وقتی که مأمورین اجراء اینها باشند دیگر از آن نظری که ما داریم خارج می شود.



پس ما باید نظر کنیم و قانون را طوری بنویسیم که کلمه کش دار درش نداشته باشد که مأمورین اجراء استفاده کنند. من عقیده ام این است که عوض این کلمه يك کلمه واضح الدلالة نوشته شود که اسباب تغییر دادن کلمه از معنای خودش نباشد، بلکه اگر ما از مأمورین خودمان حقیقه مطمئن بودیم که مطابق این قانون که از مجلس میگذرد و مطابق نظریات قانون گذار عمل میکنند عرض نداشتم ولی بنده اینجا عرض میکنم که عمل را در خارج می بینم و می بینم که چه جور تغییراتی در قانون میدهند. و آن اعتبارانی را که آقای دادگر فرمودند که در بعضی موارد از این طور عبارات مبهم استفاده میکنیم قیاس کنید آن مواردی که سوء استفاده از کلمات مبهم میکنند بیشتر است یا مواقعی که استفاده میکنند؟ ما بنیم مأمورین غالباً استفاده سوء میکنند ر آن استفاده هائی که هیچ منظور قانون گذار نبوده است شده است از این نقطه نظر بنده خواستم که یا توضیح داده شود که از ابهام خارج شود یا اینکه حذف شود

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- گویا در ماده اول جواب عرض کردم که این کلمه و غیره تولید سوء تفاهم و زحمتی نمیکند به چندین دلیل. اولاً عرض کردم که مباحث اجرائی این قانون نمایندگان خود ملت هستند و این مأمورینی را هم که فرمودند در این قضیه ممکن است دخالت بکنند. خیر اینطور نیست اگر آنها دهنده رأی و ابراز کنند تصمیمنند بدون کلمه و غیره هم ممکن است تغییرات و تعمیراتی بکنند ولی مأمور اجراء که نظمی یا حکومت است نمیتواند بمیل خودش تعبیر کند مأمور اجراء متصرف در عبارات نیست، آن کسی که اخذ تصمیم میکند میتواند عبارت قانون را تعبیر کند با اضافه همانطور که عرض کردم گاهی از کلمه و غیره استفاده میشود و سکوت در این باب سبب میشود که نظایر آن که واقع میشود نتوانند عمل کنند و استفاده از قانون نمیشود و قانون جامد میماند. خیلی از

منقوله و غیر منقوله آنچه هست متعلق ببلدیه است و او باید اداره کند. این معنایش چه میشود؟ این يك رژیم تازه لازم دارد. در هر صورت بنده هم می دانم مقصود این نیست و شاید هم این تعبیر نشود ولی ابهام چرا؟ چه ضرورت دارد که در عبارت ابهام باشد که ما بگوئیم این سوء تعبیر میشود. این بود که بنده پیشنهاد کردم عبارت اینطور اصلاح شود. اداره کردن سرمایه ها و اموال منقوله و غیر منقوله متعلقه به بلدیه حوزه بلدیه. اموالی که اختصاصاً متعلق به بلدیه است در حوزه بلدیه آنرا باید اداره کند. اما چیزی که متعلق بخودش نیست، متعلق بمردم است، متعلق بسا کتین حوزه است آنرا اداره کند؟ البته شما هم اینرا نمیخواهید پس این توضیح را قبول بفرمائید

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر آقای

کازرونی.

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که قسمت اول از ماده دوم بقرار

ذیل اصلاح شود:

(۱) جمع آوری عایدات و عوارض نقدی و جنسی

بلدی و تأدیه مصارف و مخارج بلدی موافق مقررات این قانون

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- اینجا عبارت اینطور میسراند که حساب

جمع و خرجش را باید بلدیه نگاه دارد. میگوید (جمع

و خرج عایدات و عوارض نقدی و جنسی بلدی) یعنی

حسابش. اصطلاح اینطور است که جمع و خرجش را

نگاه بدارد یعنی حسابش را نگاه بدارد و حال آنکه

مقصود این نیست چون حساب نگاه داشتن يك امر طبیعی

است هر که پول داد و هر که پول گرفت قهراً حسابش را نگاه میدارد بلکه مقصود این است که آن پولهای را که بر طبق قانون باید گرفته شود او بگیرد و آن پولهایی که مطابق قانون باید مصرف شود او مصرف کند حالا بنده اینطوری که پیشنهاد کردم مقصود را میسراند.

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دهستان

(بشرح آتی خوانده شد)

در ماده دوم بعد از کلمه شهر اضافه شود (وبلوکات)

رئیس -- آقای دهستانی

دهستان -- عرض کنم در ماده ۲ فقط بلدیه را

راجع بشهرها کرده است البته نظریه آقایان این است

که تبعیض قائل نشوند که بلوکات و قصبات بلدیه نداشته

باشد. این بود که بنده پیشنهاد کردم که بعد از کلمه

(شهر) (بلوکات) هم اضافه شود. حالا بسته است

بنظر آقایان.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- مقصود این نبود که بلوکات داخل در حوزه

بلدیه باشد بلدیه منحصر بود بشهر. قصبات را هم علاوه

کرده اند.

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای احتشامزاده

(باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در آخر فقره ۱۰ ماده ۲ اضافه

شود: سعی در تقلیل عده مبتلایان باستعمال تریاک

و تهیه موجبات سهل و سریع ترك آن و جلوگیری از

استعمال تریاک و الكل



رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده - مضرات استعمال تریاک و الکل به قدری است که گمان میکنم محتاج بتوضیح نباشد. البته هر موقعی که وسائل فراهم شود بایستی اقدام کرد برای جلوگیری از استعمال تریاک و الکل. در اینموقع که قانون بلدییه تصویب میشود البته مؤسسه که صلاحیت داشته باشد برای اصلاحات اوضاع اجتماعی شهرها البته مؤسسه بلدییه است و یکی از بزرگترین وظایفی که بنده تصور میکنم باید بلدییه انجام بدهد مسئله جلوگیری از استعمال تریاک و الکل است. بعقیده بنده آقایان خوب است موافقت بفرمایند از نقطه نظر تقویت مزاج و روح ایرانی این مسئله در ماده دوم مخصوصاً تصریح شود برای اهمیت فوق العاده که دارد و الا تصدبق میکنم که تلویحاً شاید فقره بعد اشاره کرده باشد بمضرات چیزهایی که برخلاف صحت است ولی نظر باهمیتی که این موضوع دارد و بایستی خیلی جدیت بکنند در جلوگیری از استعمال تریاک و الکل بنده پیشنهاد کردم که تصریح شود برای اینکه بلدییه خودش را ملزم بداند زودتر از این قضیه جلوگیری کند.

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام فرمایند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای کازرونی.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که از قسمت چهارم آنچه بعد از کلمه قحطی واقع شده حذف شود.

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم قسمت سوم میگوید: مراقبت در تهیه وسائل فراوانی و ارزانی ارزاق این ارزانی ارزاق در اینجا هست و در مواقع عادی همین اندازه کافی است چون ما حق دادیم بلدییه که مراقبت داشته باشد در فراوانی و ارزانی ارزاق. البته اگر چنانچه موقع يك

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدرس

(باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که لفظ (جدید) بعد از کلمه (انبیه) در فقره نهم از ماده ۲ اضافه شود

رئیس -- آقای مدرس

مدرس - عرض میشود که ما چون مأمورینان را دیده ایم اگر این قانون را بدهیم دستشان چطور عمل میکنند. حالا در طهران شاید... اگر چه در طهران هم میکنند. میآیند میگویند این خانه شما با این خیابان مناسبت ندارد. این کلمه (انبیه) باطلاقه خوب نیست. عمارت جدید اگر کسی بخواید بسازد خوب است نقشه بهش بدهند بگویند شما این را مطابق این نقشه بسازید اما اگر بطور مطلق بنویسید معابر و عمارت بر طبق نقشه خوب و پاکیزه باشد بسا هست متعرض عمارات موجوده بشوند. همینطور که سایر جاهای دیگر دنیا میکنند يك نقشه میریزند منتظرند وقتی که من خواستم این عمارت را تغییر بدهم میگویند دو ذرع عقب بنشین والا بطور مطلق شما اینجاده را دست مأمورینتان بدهید من میترسم که اسپنپ زحمت بشود

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد. پیشنهاد آقای شریعت زاده

(باین نحو قرائت شد)

پیشنهاد میکنم عبارت قسمت اول شق چهارم بترتیب ذیل اصلاح شود.

۴ - اقدام در توزیع مواد غذایی و تعیین قیمت آن

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده - این يك اصلاح عبارتی است نه مطلبی. در اینجا نوشته شده (اقدام در توزیع و تعیین

قیمت مواد غذایی) بنده اینطور مصلحت میدانم نوشته شود (اقدام در توزیع مواد غذایی و تعیین قیمت آن) و معنایش یکی است فقط عبارت يك قدری بهتر میشود مخبر - بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم.

رئیس -- پیشنهاد آقای دشتی.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم این فقره بعنوان فقره نوزدهم ماده ۲ الحاق شود

۱۹ - نظارت در نرخ اجاره مستغلات و تعیین قیمت عادلانه مطابق قیمت اصلی.

رئیس -- آقای دشتی

دشتی - بنده تصور میکنم یکی از مشکلات آبنده مسئله مالکین و مستاجرین است. بنده بواسطه موقعیت روزنامه نگاری که دارم متصل به بنده مراجعه میشود از کسبه بازاری و خدایان و غیره اشخاصی که با بنده معاشرت دارند عموماً شکایت دارند از بی انصافی و بی عدالتی صاحبان املاک. بهمان دلیل که اگر بلدییه احساس احتکار کرد باید مداخله کند در اینجا هم باید بلدییه مداخله کند و قیمت اجاره را متناسب با قیمت ملک قرار دهد. بنده تصور میکنم در مسئله مستغلات کار مشکلتر از مسئله ارزاق است چون ارزاق را اگر صاحبش نفروشد ممکن است فاسد شود ولی ملک فاسد نمیشود. اگر بصاحب خانه که بیست تومان اجاره اش بیشتر نیست بگویند اجاره ات چند است میگوید پنجاه تومان از يك کسبه بازار به پرسید که چطور دکان اجاره میکند. از اشخاصی که خانه شخصی ندارند پرسید. شما که خودتان خانه شخصی دارید. آن بد بختیائیکه مجبورند دکان اجاره بکنند آنها میدانند که صاحبان املاک چطور معامله با آنها میکنند. ملاحظه عموم را بکنید نه يك طبقه خاصی را یعنی ملاحظه طبقه ضعیف را باید بکنید نه قوی را.

رئیس -- رأی میگیریم بقبول بودن این پیشنهاد...



کازرونی - بنده کمان میکنم نمیشود باین پیشنهاد  
رأی گرفت .

شیروانی - چرا نمیشود؟

رئیس -- عضو کمیسیون هستید؟

کازرونی - بنده عرض میکنم نمیشود رأی گرفت .

بعضی از نمایندگان - چرا؟

کازرونی - خوب است آقایان عصبیت بکار نبرند و  
بیک طبقه بک مختصر حقی بدهند که عقیده شان را  
اظهار کنند بعد بکشند شان . عرض کنم یکی از اصول  
مسلمه مسلمانان این است که الناس مسلطون علی اموالهم و  
انفسهم . . . . .

عمادی -- لا ضرر و لا ضرار را هم در نظر بگیرید

(همه نمایندگان)

کازرونی - اجازه بفرمائید . بنده بک خانه دارم دلم  
هم نمیشود کمتر از پنجاه تومان اجاره بدهم . سؤال میکنم  
که آیا بر طبق بک قانونی میتوان سلب اختیار از من  
کنید و مرا مجبور کنید که بفلان مبلغ کرایه بده ؟  
بگفتند از نمایندگان - بر طبق همان قانونی که در  
موضوع احتکار است

کازرونی - آقا کله احتکار را در یکجائی یافته اند و مکرر  
میفرمایند اما اورا جمع بچس است راجع بخوراک است نه راجع  
بمستغلات علاوه بر این ما بک پیشواهائی داریم . بک آقایانی هستند  
از روی میل خودمان که نمیتوانیم در هر موردی بک تصرفاتی  
در احکام اسلامی بکنیم . مراجعه کنید آخر برای هر  
کاری بک اهلی معین شده است . . . . .

رئیس - آقا تأمل بفرمائید . عجلاناً اگر اجازه می

دهید چند دقیقه تنفس داده شود

(بعضی گفتند صحیح است)

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم  
ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- آن پیشنهاد را آقای دشتی پس گرفته اند

بک پیشنهاد دیگر داده اند قرائت میشود

(بمضمون آنی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم فقره ذیل بعنوان فقره ۱۹  
اضافه شود :

۱۹ - رفع اختلاف موجرین و مستأجرین حوزه بلدی  
خود راجع بزباد کردن مال الاجاره با ترتیب عادلانه  
و با رضایت طرفین

رئیس -- آقای دشتی

دشتی - ما هر قدر بخواهیم گوشمان فراخ باشد بالاخره  
نمی توانیم از حوائج مملکت صرف نظر کنیم امروز کسانی  
که طرف مراجعه مردم و کسبه هستند می بینند روز  
بروز تقاضای مالکین زیادتر میشود و بدبختی و فقر مردم و  
کسبه هم زیادتر . بک کاسی میرود بک دکانی را اجاره میکند  
و بواسطه ماندن در آنجا بک مشتریائی پیدا میکند  
که با او آشنا میشوند پس از آنکه آشنا شدند و کسبش  
نازه میخواست رونق بگیرد مالک میخواست مال الاجاره  
را زیاد کند در صورتیکه ملک بک چیز نازه و فوق العاده  
پیدا نکرده است . این عیب را باید رفع کرد . اگر رفع  
نشود دو سال دیگر اشکال زیادتر میشود و چون در این  
پیشنهاد بک اشکالات می گرفتند بنده با اینکه اشکالی درش  
نمیدانستم ولی برای مهاشات با آقایان اصلاح کردم و باین  
ترتیب نوشتم اساساً نظر آقایان که مخالفت میکردند پیشنهادی  
بود که آنوقت بنده کرده بودم آقای مدرس هم تصریح کردند  
که ضرری ندارد

مدرس - ضرر دارد

دشتی - برای اینکه بالاخره در صورتیکه مالکین فشار بیاورند  
بمستأجرین مستأجر هم البته مراجعه میکنند به بلدی و  
بلدی هم مالک و مستأجر را میخواست و با نصاب و ارشاد  
آنها را راضی میکند و فشار را از دوش مستأجرین ممکن  
است بردارد

رئیس -- آقای بهبهانی

دشتی - آقای بهبهانی عضو کمیسیون نیستند

رئیس -- آقای فیروز آبادی

بعضی از نمایندگان - ایشان هم عضو کمیسیون  
نیستند !

رئیس -- آقای معتضد استرآبادی .

شیروانی - ایشان هم عضو نیستند .

رئیس -- آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده اجازه که خواستم در موقعی  
بود که آقای دشتی آن پیشنهاد را داده بودند  
و خواستم بک عرایضی عرض کنم حالا در ضمن این  
پیشنهاد عرض میکنم . اولاً خوب است آقایانیکه پیشنهاد  
میکندند اقلأ تقلید از اروپا بکنند . . . . .

دشتی - تقلید نیست احتیاجات مملکت را باید دید  
حاج شیخ بیات - اجازه بدهید . اشخاصی که  
از اروپا آمده اند الان با ایشان صحبت میکردم میگفتند  
در اروپا هم این مسئله راجع ببلدی نیست و خانه ها  
در اجاره و استیجار آزاد است . بنده نمیدانم آقایان  
تقلید از کجا میکنند . اما راجع باین پیشنهاد دومی  
که فرمودند از نقطه نظر اینکه بعضی آقایان آنرا صلاح  
ندانسته اند پیشنهاد جدید کردند اساساً خود ایشان  
هم موقعیت نداشت که آن پیشنهاد را کرده باشند برای  
اینکه قانون اساسی میگوید قوانین موضوعه ما باید مطابق  
قانون شرع باشد و خود پیشنهاد کنندنده باید این  
نظر را داشته باشد و لازم نیست دیگران بهش  
تذکر بدهند و اما راجع باین پیشنهاد بعقیده بنده نه  
مضر است نه مفید . . . . .

معتضد استرآبادی - مضر است

حاج شیخ بیات - برای اینکه اگر رضایت مالکین  
و مستأجرین را ملاحظه بکنند خود آنها این کار را  
میکندند دیگر لازم نیست بلدی مداخله کند و الا اگر  
مالک بگوید من صد تومان کتر اجاره نمیدم و بلدی  
بگوید پنجاه تومان بده و او راضی نشود چه فایده  
دارد ؟ یا اگر بگوید همان صد تومان باشد مستأجر

راضی نمیشود پس در صورتیکه ما رضایت طرفین را  
در پیشنهاد منظور کرده باشیم هیچ تأثیری ندارد  
مخالف شرع هم نیست زیرا بر طبق قانون شرع حقوق  
مردم و اصول مالکیت را حفظ کرده اند . البته اصول  
مالکیت و سلطه مردم بر حقوق خودشان چیزی است  
که کاملاً باید محفوظ باشد نه در اسلام بلکه در دنیای  
متمدن امروز هم این اصول را حفظ کرده اند بنده نمیدانم  
آقایان اینها را از کجا پیدا میکنند ؟

رئیس -- رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای عمادی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میبایم در فقره پنجم از ماده دوم ضمیمه  
شود در آخر آن (و توحید اوزان در تمام مملکت)

رئیس -- آقای عمادی

عمادی - یکی از امورائی که خیلی مزاحمت بمملکت  
دارد اختلاف اوزان است و بهمین جهت و علت در  
دوره پنجم قانون توحید اوزان گذشته . لذا بنده در  
این موقع مفتنم شدم که این عمل ولو برای اجرای آن  
هم باشد ضمیمه این فقره پنجم شود که رفع اختلاف و  
زحمت چه نسبت بملک داخله که از شهری بشهری  
میروند و از وزن آن شهر با بلوک اطلاعی ندارند و آنچه  
نسبت بخارجیها که آنها هم در زحمت هستند بشود .

لذا بنده این پیشنهاد را کردم که در اینجا برای اجرای  
آن قانونی که در دوره پنجم گذشته این قسمت ضمیمه شود  
رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند  
قیام فرمایند .

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

(بمضمون آنی قرائت شد)



بنده پیشنهاد میکنم کله حوزه از آخر فقره ۲ ماده ۲ حذف شود.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده استدعا دارم آقایان توجه فرمایند آنچه بنده عرض میکنم و اینهمه اصرار نشود که يك چیزی ما وضع کنیم که فردا مردم دچار مشکل شوند اینجا حوزه بلدی را در ماده پنج تصریح میکنند و بنده عین آنرا عرض میکنم. حوزه بلدی عبارت است از شهر و اطراف آن تا حدود معینه. تعیین و تغییر حوزه بلدی با پیشنهاد اداره بلدی و موافقت حکومت و تصویب انجمن محکم وزارت داخله خواهد بود. در این ماده حوزه را معین کرده که شهر است. پس در اینجا اگر این عبارت نوشته شود ( اداره کردن سرمایه ها و اموال منقوله و غیر منقوله متعلقه بحوزه بلدی) میرساند که اموال تمام آن شهر است و چون بنده دیدم آن پیشنهاد قابل توجه نشد باین ترتیب پیشنهاد کردم و استدعا میکنم موافقت فرمایند با حذف این کله تا در آتیه تولید اشتباه نشود.

مخبر - از طرف کمیسیون بنده قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی.

( بشرح آتی قرائت شد )

پیشنهاد میباید آخر فقره ۱۳ از ماده دوم بنحو ذیل اصلاح شود

و تعطیل روز جمعه در هفته مطابق نظامنامه مخصوص

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - قسمت سیزدهم مینویسد ( مراقبت در رعایت حفظ الصحة کارگران و زیندات صحی کارخانجات و تهیه موجبات ترقی اخلاقی و جسمانی آنها بوسیله کنفرانسها و تشویقات دیگر) تا اینجا خیلی خوب است بعد مینویسد ( و تعطیل روز جمعه در هفته با استفاده از اجرت و تعیین ساعات کار مطابق نظامنامه مخصوص ) . محل نظر

بلدی قانونی هم آمد ساعات کار را معین کرد و بنده خواستم مزدور يك کسی بشوم رضایت طبع بغير آنچه که بلدی معین کرده است این ماده آنرا جلوگیری می کند. بنده گمان میکنم که نمیکند. الان هم مسئله کارگر و ساعات کار آنها روی رضایت مردم است. هر کس در هر کاری که رضایت نداشته باشد میبرد نمکین بکند. بلدی فرضاً يك ساعاتی معین بکند که مردم مجبور باشند بآن ساعات عمل بکنند آ با این مخالف با آن قسمت است که يك کسانی بخواهند خودشان بالطبع زیاده از آن مقداری که بلدی معین کرده است کار بکنند و کمتر از آن مقداری که بلدی معین کرده است مزد بگیرند؟ و اگر بخواهید اینطور نباشد باز این ماده وضعش در اینجا باطل است و فقط در يك قسمت های مخصوصی این ماده جاری خواهد شد ولی چون عموم مردم بیکار و حاضرند بغير آن ساعاتیکه بلدی معین کرده عمل نمیکنند و مردم هم محتاج باین کار گراند میروند اشخاص بیکار را میآورند که يك ساعات زیادتری کار کنند. بنا بر این بنده این قسمت را عملی نمیدانم و آن قسمت اول را هم همانطور که آقا فرمودند لازم نمیدانم بنا بر این استدعا میکنم آقایان توجه فرمایند و با مطالعه پیشنهاد را قبول یارند کنند.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

( عده قلبی برخاستند )

رئیس - قابل توجه نشد. ماده سوم.

آقا سید یعقوب - رأی بماده دوم گرفته نمیشود.

رئیس - يك پیشنهاد قابل توجه شد. بماده سوم

( باین نهج قرائت شد )

ماده سوم :

۱ - اراضی معابر و رودخانه های بلا مالک واقع در حوزه بلدی محل استفاده عموم است.

۲ - میدانها و باغهایی که دولت یا بلدی ایجاد

نموده و میباید وسواحل دریاها و دریاچه ها و رودخانه های بلا مالک که در حوزه بلدی واقع است توسط بلدی اداره میشود.

۳ - اراضی خندق و باره و آنچه عمومی و بلا مالک و در حوزه شهر واقع است متعلق بلدی خواهد بود رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - من در اینجا با يك کله اش مخالفم. نوشته است باغهای دولت باغهای دولت دو جور است. يك وقتی است دولت يك باغی را از خزانه مملکت میسازد يك وقت دولت باغی را میسازد برای چیزهای دیگر. باغ دولت بطور مطلق خوب نیست مگر اینکه قید شود باغی که دولت از عواید شهری بسازد والا اگر باغی دولت از عواید مملکت ساخته باشد برای يك مسئله چطور ما میتوانیم دست بلدی بدهیم؟ اینکه معنی ندارد مثل اینجا قبل از اینکه مجلس واقع شود. چیزی که از خزانه مملکت ساخته شده است اختصاص بشهر ندارد که بلدی اداره کند خوب است يك توضیحی در این قسمت بدهند.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده این ماده یکی از مواد بسیار خوبی است که اجرای آن تأمین میکند يك آبادیهائی را که بتوسط بلدی در اراضی بلا مالک و خراب بعمل میآید.

آقا سید یعقوب - شما مخالفید؟

شریعت زاده - بنده موافقم جناب عالی مخالفید مطلب خیلی واضح است و اشکالی بنظر بنده وارد نیست اینجامینویسد ( اراضی معابر و رودخانه های بلا مالک واقع در حوزه بلدی محل استفاده عموم است ) این چه اشکالی دارد! میدانها و باغهایی که دولت یا بلدی ایجاد نموده و میباید وسواحل دریاها و دریاچه ها و رودخانه های بلا مالک که در حوزه بلدی واقع است توسط بلدی اداره میشود. اینجا بلدی مأمور است برای تنظیم و آبادی آن این هم محل اشکال



نیست. شق سوم آن هم همینطور اشکال ندارد و بنده تصور میکنم که این یکی از مواد بسیار خوب است و بابد زودتر تصویب شود.

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- در این عبارت که نوشته اند معابر و اراضی معابر و رودخانه های بلا مالک فلان تا بالاخره آنچه که میفرماید و آنچه عمومی و بلا مالک است متعلق بحوزه بلدی و از طرف بلدی اداره خواهد شد چیزهایی که عمومی و بلا مالک است مراد این است که يك مالک مشخصی ندارد مثل خندق که قبل از آن مثال زده است البته مالککش تمام مردم اند ولی بعضی چیزها هست که عمومی است و مالک مشخصی ندارد لکن متصدی شخصی قانون دارد مثل خیلی اوقاف. خیلی اوقاف هست عمومی است ' مالک هم ندارد اما متصدی قانونی دارد ' متولی قانونی دارد ' و مقتضای این عبارت که نوشته است آنها را هم شامل میشود که بلدی اداره کند و حال آنکه مراد نویسنده این نیست. مراد نویسنده این است که عمومی باشد و اداره کننده قانونی ندارد. اداره کننده قانونی که ندارد بلدی باید اداره کند لهذا بجهت رفع این شبهه بنده اضافه کردم (بلا مالک و متصدی قانونی). هر چیزی که مالک و متصدی قانونی ندارد. مراد هم بعقیده بنده همین است. البته بلدی باید اداره کند و اگر قبول بفرماید اشکالی ندارد!

مخبر -- از طرف کمیسیون قبول میکنم.

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

رئیس -- پیشنهاد آقای مدرس

(بمضمون ذیل خواند. شد)

پیشنهاد مینمایم که در ماده سیم اضافه شود بطریق ذیل نوشته شود

بلا مالک و متصدی قانونی

امیر تیمور کلای -- آقای مخبر قبول کردند  
رئیس -- رای میکنم بماده سوم با این اصلاح  
آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند  
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده چهارم

(باین تفصیل خوانده شد)

ماده چهارم -- کلیه عوارض و عایدات حوزه بلدی بصرف بلدی میرسد و متصدی وصول و خرج آن بلدی است.

تبصره -- سهمی که در عوض عایدات نواقل و عوارض متفرقه دیگر بموجب قانون الغای باج راهها مورخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۰۴ ببلدی تعلق میگیرد و متصدی وصول آن وزارت مالیه است و همچنین عایداتی که ممکن است در آتیه بوسیله وزارت مالیه با ادارات دیگر برای بلدی وصول و جمع آوری گردد باید ببلدی هر محل تسلیم شود و ترتیب خرج و نظارت آن مطابق مقررات این قانون با خود بلدی خواهد بود.

رئیس -- آقای بیات

مرضی قلبخان بیات -- در این ماده بنده موقع را مغتنم میشمارم برای اینکه يك استفاده راجع بقانون بلدی و قانون باج راهها بشود و يك اصلاحی که لازم است در آنجا بشود در اینجا يك توجهی بآن بشود. در موقعی که قانون باج راهها را نوشتیم و مالیات های بلدی را الغاء کردیم برای این حقوقی که باید برسد نوشته شد هر چه را که در هر محل بلدیها و خیریهها میگیرند در ۱۳۰۵ که این قانون مجری میشود همان عایدی را که در ۱۳۰۴ میگرفته اند از روی آن تقسیم ببلدیها بدهند و همینطور هم معمول شده است. يك اضافه عایداتی هم پیش بینی شده است که ممکن است در ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ اضافه از آنچه عایدی سال اول بوده است پیدا شود. آن را هم در قانون معین کرده که اضافه عایدات مطابق همان

تقسیمی که سابق میگرفتند تقسیم شود. در موقع عمل که حالا وزارت مالیه عمل میکند می بیند این ترتیب قانون حقیقه يك تبعیضی در ایالات و ولایات تولید کرده که بعضی از آنها بیشتر از آنچه احتیاج دارند میگیرند و بعضی از آنها هیچ چیز بهشان نمیرسد در صورتیکه مالیات باج راه را عموم ولایات و عموم مردم میدهند. الان این تخمبلی که میشود بر تمام مردم میشود. علت ندارد يك مالیاتی را که عموم می دهند بطور خیلی فاحشی تبعیض کنند. حالا اگر تبعیض هم خیلی فاحش نبود اهمیت نداشت ولی بطور خیلی فاحشی است و این تبعیض بعقیده بنده خیلی مضر است. حالا اگر بخواهیم این ترتیب را بهم برزیم و يك ترتیب صحیحی داده شود چون قدری مفصل می شود و طول میکشد لذا بنده در آن قسمت اصلی وارد نمی شوم که چطور تقسیم کرده اند که يك جاهائی زیاد تر است و يك جاهائی کمتر آنرا میگذاریم برای بعد چون ممکن است حالا يك ناسیسات و ترتیبی داشته باشند. آن قسمت را بعد رسیدگی میکنیم ولی در قسمت اضافه عایداتی که هست بنده اینجا يك پیشنهادی کرده ام که آن اضافه عایداتی که در سنه ۱۳۰۶

اضافه شده بآن ترتیبی که سابق تقسیم میشد و قانون معین کرده آنطور نباشد بلکه در نحت اختیار وزارت داخله و وزارت مالیه بنقاطی که بودجه بلدیها شان کمتر است و بوجه من الوجوه از عهده تنظیم رروشنائی هم بر نیایند این اضافه عایدات تخصیص بآن محلها داده شود و آن محلهایی که خیلی فوق العاده برده اند و خیلی هم زیادی است بآن قسمتها داده نشود يك پیشنهادی هم کرده ام و در موقع خودش توضیح خواهم داد

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده هم مخالفم

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- بنده با ماده موافق هستم و آقای

بیات هم نسبت بماده مخالفتی نکردند و بنده هم با نظریه

ایشان اتفاقاً موافقم.  
رئیس -- آقای دادگر  
دادگر -- موافقم  
رئیس -- آقای مدرس  
مدرس -- مخالفم  
رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- ما قانون را که میگذاریم از نقطه نظر این است که کار را کم کم تقسیم بکنیم و هر چیزی که يك ادنی مناسبت و تلاشی بيك وزارتخانه مربوط است بوزارتخانه دیگر مربوط نکنیم فعلا کار بلدیها بیشتر منوجه است بوزارت داخله. ما میخواهیم دست وزارت مالیه را از اینجا قطع کنیم که به کار بلدیها کار نداشته باشد. ما میخواهیم همه شهرها نماینده هاشان روند بنشینند و برای شهر بيك عوایدی ملاحظه کنند ملاحظه عواید و وظایف آنرا بکنند. و وضع مالیات یعنی عواید شهری بکنند باز در اینجا آمده ایم و دوم مرتبه يك راهی برای وزارت مالیه باز کرده ایم آن کدام است؟ همین است که اینجا نوشته است تبصره -- سهمی که در عوض عایدات نواقل و عوارض متفرقه دیگر بموجب قانون الغای باج راهها مورخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۰۴ ببلدی تعلق میگیرد و متصدی وصول آن وزارت مالیه است و هم چنین عایداتی که ممکن است در آتیه بوسیله وزارت مالیه ... اینجا باز دوم مرتبه راهی برای وزارت مالیه باز میکنیم که از این راه داخل بلدیها هم بشود. چرا؟ بعلمت اینکه همینقدر که ما در اینجا يك حقی برای وزارت مالیه قائل شدیم که يك عایدی درست کند باز مداخله میکند چنانکه الان خود آقای وزیر داخله هم در اینجا تشریف دارند میگویند والی فارس که آمده است بلدی شیراز را منحل کرده است (روز نامه نوشته است) چکار دارید آقا؟ تو مسؤول وزارت داخله هستی تو مسؤول بلدی نیستی. وزارتخانهها کارشان از هم دیگر جدا باشد ما قانون مینویسیم. وزارت مالیه



مأمور است برای جمع عوائد مملکتی نه برای عوائد شهری! آنچیزیکه در تحت نظر وزارت مالیه است عوائد مملکتی است. انجمن بلدی هر شهری ناظر است بچگونه؟ باین که عوائد برای آن شهر درست کنند. این است که بنده با این کلام که مینویسد بوسیله وزارت مالیه یا وزارت مالیه با وزارت داخله مخالف هستم. بلدی به يك مؤسسه مستقلی است و باید او را مستقل بگذاریم و از دست دولت بیرون بیاوریم. يك حق باین ملت بدهیم که از دست دولت راحت باشد و بتواند يك نفس راحت بکشد. باز هر جا یا وزارت داخله يك زنجیری بیندازد یا وزارت مالیه بیندازد یا وزارت جنگ بیندازد. هر جائی که يك مؤسسه ملی هم درست میکنیم باز زنجیرش بکنیم و از هر طرف او را خفه کنیم که همه اختیار از شان سلب شود. این است که بنده با این کلام مخالفم.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم که باید این را تقسیم بکنیم تا درست بشود در انحصار که عایداتش غیر قابل تقسیم بود ولی خرجش قابل تقسیم است. ....

بکنفر از نمایندگان -- انحصار خیر. مالیات راه دادگر -- بله ببخشید. یا بالاخره اگر بخواهیم بر مالیات مستغلات يك قدر قلیلی بیفزائیم نمیتوانیم يك مؤسسه مستقلی برای وصول این اضافه درست کنیم میگوئیم چنانکه عوائد مستغلات را مالیه میگیرد يك اضافه کمی هم که بر او علاوه میشود بگیرد و بما بدهد بنا بر این سرفه با شهرها است و اگر ما بتوانیم مؤسسات موجوده را طوری استعمال کنیم که آن عوائد را وصول کنند و بدون تصرف ببلدیه بدهند آنوقت بلدیه برای وصول این عوائد از يك تشکیلات جدیدی که يك مخارجی هم دارد محفوظ میماند. و اما اینکه آقای آقا سید بقوب میفرمایند که مداخله وزارت مالیه سبب میشود که استقلال بلدیه تقلیل میشود. خبر نمیشود زیرا آنها هم يك مباشری است. تصدیق بفرمائید

که اگر خود بلدیه هم بخواهد این عوائد را وصول کند خوب باز بيك جماعت دیگری انتقال پیدا میکند. پس چه فرقی میکند در نتیجه مثل همان است که بوزارت مالیه انتقال پیدا کند و این جای نگرانی نیست. دفترها و حسابهای مخصوصی دارد. منتها در تعیین يك عده بخدمت برای وصول این عوائد امساک و صرفه جوئی نمیتوانند و تشخیص که وصول میکنند عواید را بصاحبش میدهند این اشکالی ندارد

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- اگر چه خیلی از ظهر گذشته آقایان شاید کساک داشته باشند ولی يك مسئله هست که دیگر چاره نیست بنده از آقای رئیس استجازه کرده ام که روز پنجشنبه را در مجلس نباشم چون نوبه میکنم و يك امر مهمی هم در ورامین بجهت ملك موقوفه هست نوشتم و از آقای رئیس استجازه کردم ولی بعد که رفتم این قانون را مطالعه کردم باین دو ماده رسیدم خیلی متحیر ماندم. دیدم اگر این دو ماده بیفتد پنجشنبه بعقیده من این قانون کان لم یکن است لهذا دو وصیت نوشتم یکی به آقای میرزا سید احمد بهبهانی یکی هم به آقای شیخ العرافین که اگر من رفتم و این دو ماده مطرح شد شما وصی من هستید از جانب خودتان و از جانب من مخالفت کنید. ولی بحمدالله رب العالمین این دو ماده عنوان شد و خیلی از آقای رئیس متشکرم و با وجود کسالت عرض میکنم که اساساً ما امروز میخواهیم يك قانونی را و يك مؤسسه ملی را درست کنیم. تا امروز کانه قانون بلدیه نداشته ایم و بلدیه قانونی هم در مملکت ما نبوده این قانون میگوید چکار کنید؟ میگوید يك انجمن بلدی قانونی را ملت انتخاب کند. آنها در هر شهری بمنزله مجلس شورای ملی آن شهر هستند. انجمن بلدی باید قوانین متعلقه به بلد را وضع کند اداره بلدیه هم قوه مجریه او بشود و اجرا کند. غیر از اینکه مقصود نیست از این قانون؟ اگر در حقیقت مقصود

این است که این ماده يك نواقصی دارد. آن ماده پیش که اصلاح شد ولی این ماده بعقیده بنده مخالف با این مقصود است. اولاً اینجا مرقوم فرموده اند که کلیه عوارض و عایدات حوزه بلدی بصرف بلدیه برسد. این عبارت باطلاقی نمیتوانیم ما چنین اختیاری را بانجمن بلدی بدهیم که خودش برود عایدات برای خودش جعل کند و خودش هم مصرف معین کند در این مسئله بنده پیشنهاد کردم که انجمن بلدی باید عایداتی برای مخارج بلد معین کند تصدیق بکند. بعد بتوسط وزارت داخله به مجلس شورای ملی پیشنهاد بکنند مجلس شورای ملی که تصویب کرد آنوقت بموقع اجرا گذاشته شود. اگر خودش هر عایدی که منظور نظرش بیاید آن را جعل کند بعقیده بنده این قانون با این اختیار امروز صلاح نیست که مادر این مملکت اختیار جعل مالیات بلدی را بدست انجمن های بلدی بدهیم. لهذا در این مسئله پیشنهاد کردم که انجمن بلدی محل عایدات را معین بکند تصدیق بکند بتوسط وزارت داخله بمجلس شورای ملی پیشنهاد بشود. بعد از تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده شود. نه اینکه هر انجمن بلدی بیاید يك مالیات و عایدات بلدی وضع کند و بموقع اجرا بگذارد. يك مسئله دیگر تبصره است ما میخواهیم این تبصره و این قرارهای پیش و آن حرفها بکلی از بین برود و انجمن قانونی يك اساسی برای عایدات و مصارف تأسیس کند شما باز آمده اید آن کارهای سابق را در کار بلدیه دخالت داده اید. آنها يك کارهای موافقی بود که کردیم. باید انجمن بلدی هر شهری محل عایداتی در آن شهر برای خودش منظور نظر قرار بدهد و آنرا که صلاح دید پیشنهاد کند مجلس شورای ملی تصویب کند. اینکه بواقف بوشهر را آمدیم تصویب کردیم با مال رشت و فلانجا را برای فلانجا تصویب کردیم اینها يك مطالبی بود خیلی ن ترتیب لهذا بعقیده من این تبصره باید از اینجا حذف شود و اینطور

اصلاح بشود که: کلیه عایداتی که هر انجمن بلدی برای حوزه آن بلد تصدیق میکند و بتوسط وزارت داخله بتصویب مجلس شورای ملی برسد آن را بصرف آن شهر برسانند این اصلاحات را باید در این ماده کرد. والا این اختیارات باین عمومی و با این تبصره يك چیز از تویش در میآید که بعقیده بنده اسباب زحمت است و ترتیب قانونی هم بدست پیشنهادی هم کرده ام

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- با ماده مخالفم ولی راجع بفرمایشات آقای مدرس هم عریضی داشتم.

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- عرضی ندارم.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم که اگر این نظر آقای مدرس مقدماتش همانطوری بود که فرمودند آنوقت وارد بود ولی ما اساساً این نظر را نداریم که بلدیه جعل عایدات کند. ما چنین نظری نداریم. فقط در دو مورد در مواد بعد مصرح است و اینهم جایز است. مشاوره شد با شخصی که در قانون قوت داشتند مثل آقای رئیس و آقای دکتر مصدق و بعضی از آقایان. دو ماده که یکی اضافه بر مالیات مستغلات باشد آنها هم بيك نسبی و یکی هم بر اجناسی که وارد شهر میشود باستانی ارزاق عمومی که آنرا هم حد اکثر و اقلش را مجلس معین بکنند و آنوقت بلدیه ما بین آنها اقل و اکثر را بطوری که مقتضی میدانند معین کند و وصول نماید و غیر از این دو مورد که بعد ذکر میشود بلدیه حق جعل و وصول عایدات را ندارد یکی هم همین عایدات نواقل است که بالاخره فعلاً قوانین موضوعه مملکتی آنرا ببلدیه اختصاص داده است و از طریق مالیه ببلدیه میرسد و الا بدهاوت دارد که جعل مالیات از شئون مجلس شورای ملی است و قانون اساسی که ما فوق تمام قوانین است تکلیف قطعی ما را معین کرده. نمیدانم چطور این عبارت برای آقا تولید



سوء ظن شده که مقصود ما این است که بلدیة جمل مالیات کند. اگر عبارت را بخوانید توجهتان را جلب میکند. اینجا فقط متذکر است که کلیه عوارض و عایدات حوزه بلدیة بمصرف بلدیة میرسد. نه اینکه او واضعش باشد. ولی وقتی از طرف مجلس وضع شده باشد او جمع میکند و بمصرف میرساند. ماده ۲۹ را من میخوانم که رفع اشتباه جمیع آقایان بشود: ماده ۲۹ انجمن های بلدی با اکثریت دو ثلث میتوانند منابع عایدی ذیل را بعنوان عوارض بلدی برای مخارج بلدی بر قرار نمایند ۱۰ - تا پنج درصد از قیمت اصلی اشیائی که برای مصارف و احتیاجات اهالی در حوزه بلدی وارد می شود و در همان حوزه بمصرفی رسد از قبیل ما کولات و مصالح ساختمان و غیره باستثنای سبزی سوخت حله و نانوائی ۲ - تا پنج درصد فروغ اضافی بر مالیات های مستقیم حوزه بلدی و وصول آن بوسیله ادارات مالیه محل بدون اینکه از این بابت مخارج اداری متوجه بلدیة شود

مدرس - دوم چه بود

دادگر - ۲ - عرض کردم تا پنج درصد فروغ اضافی بر مالیات های مستقیم حوزه بلدی و وصول آن بوسیله ادارات مالیه محل بدون اینکه از این بابت مخارج اداری متوجه بلدیة شود

پس بنا بر این آن چیزی را که بلدیة خودش میتواند مداخله کند مابین حداقل و اکثر این دو مورد مخصوص است. و یکی از عوارض هم که برای بلدیة حالا مهود است آن مالیاتی است که بجای نواقل که الغاء شده وضع کرده اند که مطابق آن عایداتی که از نواقل به بلدیة ها میرسیده باضافه صدی پنجاه که مخارج وصول آن میشده هر ماهه بلدیة ها میدهند و این دو مورد را هم که الان ما قانونش را میگذرانیم در این دو قسمت بخصوص بلدیة حق دخالت پیدا میکند والا در سایر موارد البته معلوم است که باید مجلس شورای ملی مالیات وضع کند

و آن قسمتی را هم که خود بلدیة مباشرت می کند مابین حداقل و اکثرش را تعیین می کند مآذوناً از طرف مجلس شورای ملی و قبلاً هم مذاکره شده و این هم طرف احتیاج است. دقت و مشاوره هم شده است. نظائر هم دارد و در همه جا هم معمول است. دخالت در وضع مالیات هم نیست. بنا بر این بنظر بنده آن اشکال آقا چندان موضوع ندارد.

مدرس - با این حال تصریح کردنش خوب است.

رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴ بطریق ذیل نوشته شود در هر حوزه بلدی کلیه عوارض و عایداتی که برای مصارف بلدی تخصیص شده است به مصرف بلدیة همان حوزه میرسد و متصدی وصول و خرج آن بلدیة است

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده علاوه بر آنچه که آقای مدرس فرمودند يك اشکال دیگری هم بنظرم میرسد و آن این است که مینویسد: کلیه عوارض و عایدات حوزه بلدی بمصرف بلدیة میرسد. این جمله مطلق هم شامل عایدات مملکتی میشود و هم شامل عایدات مخصوص بلدی، البته مقصود عوائدی بوده است که برای بلدیة تخصیص داده شده است لیکن ماده مبهم است و شامل تمام عائدات نمی شود یعنی تمام عایداتی که در آن حوزه وصول میشود بنا بر این بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم که بطور واضح تفکیک شود. که در هر حوزه بلدی کلیه عوائد و عوارضی که برای مصارف بلدی تخصیص شده است بتوسط بلدیة وصول شود و به مصرف بلدیة همان محل برسد. بنا بر این بنده تصور میکنم این ماده باین ترتیب اسباب اشکال باشد.

بیات - بکمرتبه دیگر پیشنهاد قرائت شود.

(بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که این همان شبهه بود که عیناً برای آقای ارباب کیخسرو پیش آمده بود که گمان کردند اگر کلیه حوزه بلدی بطور مطلق نوشته شود تصور میرود که بلدیة در سایر عوائد هم مداخله دارد این جا با رفقاً مشورت کردیم که اگر کلیه حوزه را حذف کنیم و عایدات بلدی بنویسیم شبهه رفع میشود آنوقت شاید نظر آقای فهیمی وارد باشد و بعد اسباب اشکال نشود و همینطور با آقای ارباب کیخسرو که تبادل نظر کردیم نظرها مجموعاً این طور شد که اگر کلیه حوزه را همه جا حذف کنیم دیگر اشکالی پیش نمیآید.

فهیمی - بنده هم با این نظر موافقت میکنم کلیه حوزه که حذف شود مقصود نامین میشود

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده چهار بطریق ذیل نوشته شود کلیه عوارض و عایدات هر حوزه بلدی که انجمن آن حوزه تصدیق مینماید و بتوسط وزارت داخله به تصویب مجلس شورای ملی خواهد رسید.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - توضیحاتی که آقا دادند اگر من تصدیق کنم آن ماده را البته رفعتش فی الجمله میشود منتهی تصریح کردنش بهتر است ولی آن ماده ۲۹ را من تصدیق نمیکم. چرا؟ بواسطه اینکه این مالیاتی که شما اجازه داده اید بلدیة وضع کند این مالیات ها معمول بود و دم دروازه از اموال و اجناس گرفته میشد و ما آنها را برداشتیم و عوضش را در سرحدات قرار دادیم. شما آن عوض را بحال خود باقی میگذارید و باز برمیگردید سر اولی. بنده با آن ماده بکلی مخالفم و عقیده ام بر این است که عایدات بلدیة ها يك میزان کلی ندارد. هر بلدی محل عایدات و عوارضش بکطور است

مثلاً در مازندران شما میخواهید هر چه چوب وارد شهر میشود يك مالیاتی بگیری چوب در آنجا خرواری دو قران است آنوقت چقدر از آن میگیرند؟ این است که يك جا باید عوارضش بر چوب بسته شود و یکجا بر چیز دیگر. بوشهر باید بر ماهی بسته شود چون چیز دیگر ندارد. اتوموبیل وارد میشود بار بر میدارد میآورد چطور نواقش گرفته شود؟ این جا شما جمع کرده اید بین عوض با آن معوض که ما آمدیم در سرحدات قرار دادیم اگر آقایان توجه بیشتری باین عرض بنده بفرمایند تصدیق میکنند و این هم که انجمن بلدیة هر چه را تصدیق کرد بتوسط وزارت داخله به مجلس پیشنهاد کند منافات با آنچه که شما این جا نوشته اید ندارد. بعضی اوقات شاید آن ماده که شما نوشته اید مورد پیدا کرد یا بعضی جاها از چیز های دیگر مقتضی شد عوارض بگیرند در هر صورت منافات با این پیشنهاد بنده ندارد بدبختانه هر چه ما میگوئیم چیز هایی که برایتان نفع دنیوی دارد نمیگیرید و چیز هایی که ضرر دارد نمیگیرید اغلب شهر های ایران که اراضی مفتوح العنوه است بعقیده من عوارض بلدیة اش را باید بر اراضی بست نه اشکال دارد، نه اداره میخواهد معاون میخواهد خانه من پنجهزار ذرع است پنج قران میگیرند آن یکی دو هزار ذرع است دو قران. این عقیده شخص بنده است لهذا این فرمایشانی که شما فرمودید که در فلان جا حتماً از فلان جنس بدهند جنس چی؟ شما شهر های ایران را خبر ندارید جنسشان کجا بود؟ جنس را که از سر خرمن می خواهد بیاورد ببرد خانه اش بخورد بیاورد دم بلدیة بگوید صدی پنسج را بر دار؟ این نمیشود این موردی را که شما برای عوائد بلدیة قرار داده اید نمیشود باین کلیت داد. این را در این ماده از من قبول کنید آنوقت باز در آن ماده هم که مذاکره میکنید اگر هر انجمن بلدی بمقتضای آن بلد محل عایداتی بجهت آن بلد معین کرد پیشنهاد مجلس شورای ملی میکند مجلس شورای



می هم البته در اطرافش مطالعه میکنند و وضع میکنند. شاید در يك جا از يك چیزی لازم باشد عوارض بگیرند در يك جا از چیز دیگر. این يك مسئله. يك مسئله دیگر این است که شما فرمودید نواقل را که الغاء کرده اند باز هم بگیرند. ما در آن هم حرف داریم آقا. این مالیات را که ما معین کردیم در سرحد بگیرند بدون فلسفه و جهت که نبود و در حقیقت يك مالیات زیادی هم شده است و مصارف بی جهت هم میرسد بنده در آنجا هم حرف دارم و باید مورد مطالعه بشود. حالا خوب است آن را باین انجمنی که قانونی است و ما میخواهیم همه کارهایش قانونی باشد یعنی خودش عایدات وضع کند و مخارج کند دیگر آن را در این جا داخل نکنیم. در هر صورت بنده پیشنهاد این است که انجمن بلدی يك مالیاتی در نظر بگیرد یعنی تصدیق کند و بتوسط وزارت داخله بتصویب مجلس شورای ملی برسد آنوقت بموقع اجرا گذارده شود

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- بنده عرض کردم که اگر جای وقوع این نگرانی حضرت مستطاب عالی بود میبایستی مقاومت کرد و اقتدارات مجلس شورای ملی را در موقع وضع مالیات صیانت و حفظ کرد و نگذاشت بلدی آلوده شود به چیزیکه از شؤن و وظائفش خارج است ولی عرض کردم اینطور نیست. اگر بخواهید بلدی با همین عوائد فعلی خود را اداره کند و پیش برود بنده اطمینان می دم بحضرت مستطاب عالی که کافی نیست و بالاخره برای اینکه بلدی مرتب و آراسته نشود حوائج مردم را ایفاء کند و آنها را سر و صورتی بدهد این عواید و این بولی که برای بلدی فعلاً کنار گذاشته اند کافی نیست ..

مدرس -- پس با من موافقت کنید.

دادگر -- آهم که فرمودید مالیات بر اراضی گران میکند که این يك فکر خوبی است اگر این فکر بیاید

بنده هم از موافقین آن هستم ..

مدرس -- نه عوض با معوض

دادگر -- این عوض با معوض نیست. خاطر مبارك را بيك مطلب که فراموش کرده اید یاد آوری میکنم عوائد بلدی زیاد است که یکی از آنها نواقل است و تمام آن عوائد محفوظ مانده است و منحصر عایدات نواقل قرار شد به بلدیها داده شود پس برای عوض يك محلی محفوظ است که باید جای آزا بر کرد و اینکه آمده اند اینطور کرده اند عرض کردم این را بالاخره ما درش مذاکره کردیم، مشورت کردیم و حالا از آقای رئیس و آقای دکتر مصدق و آقای تقی زاده و سایرین هم استمداد میکنیم که فکر ما را نایب کنند که اگر از بین برود کار خراب میشود و آن همین دو مورد است که عرض کردم. اولاً اجباری نیست که بلدیها حتماً این چیزها را وصول بکنند. نوشته ایم «میتواند» یعنی اگر دیدم موارد دیگری را در نظر ندارد بالاخره حوائجش هم معلق است و مجلس شورای ملی دارای این فرمالیته و تشریفات طولانی است و بلدیها نمیتواند تحمل بکنند. تا لوایحی از مجلس بگذرد این دو مورد را اجرا کند. در دنیا نظایر هم دارد و همه جامعمول است، راه قانونی دارد، بعلاوه نظر مبارك آقا را بيك نکته جلب میکنم و آن این است که خود آقا میفرمودند بلدیها مجلس شورای ملی كوچك بلد است. در این مقدار كوچك از امور باید اختیار داشته باشد ..

مدرس -- نه

دادگر -- عرض کردم این نظایر دارد. در همه جای دنیا این اختیارات جزئی را به بلدیها داده اند. این دو مورد بخصوص راه مجلس شورای ملی حداقل و اکثرش را تعیین میکنند و مابین آن حد اقل و اکثر را انجمن بلدی میتواند تعیین کند. بلدیها اگر این مقدار کفایش در کارش پیدا نشود معطل میباشد. به يك مسئله دیگر هم نظر آقا را جلب میکنم که این هم خیلی اساسی است

چون بنده میدانم که آقا همیشه نظر اصلاحی و نظر انجام امور ملی را دارند و آن این است که اگر بخواهیم برای جزئیات ما اینقدر تشریفات قائل شویم این تعالیق برقیامت است. موارد زیادی هست که برای توسعه بلدیها باید در نظر آورد ولی اینجا اگر يك اختیار کوچکی به بلدیها بدهیم که حوائج كوچكش را خودش انجام کند چه عیب دارد؟ خوب آنها هم نماینده خود ملت هستند که در بلدیها نشسته اند با آنها اختیار کوچکی میدهیم که حوائج كوچك ملی را انجام دهند ..

آقا سید یعقوب -- پس حق مجلس را هم بدهید بدوات -

دادگر -- اینطور نیست آقا: خیلی با هم فرق دارد. اینکه میگوئیم انجمن بلدی اختیار داشته باشد در دو مورد بخصوص است. یکی دیگر اینکه اظهار نگرانی می فرمودند از اینکه موارد واردات در شهرها مختلف است و ممکن است تعدی بشود و گندم را که رعیت از خرمن بخانه اش میبرد بیخ خرش را بگیرند. آقا: همان کسی که گندم را بخانه اش میبرد همان شخص خودش بلدیها را تشکیل میدهد. دیگر گمان نمیکنم جبر و آزاری در کار باشد ..

آقا سید یعقوب -- ابدأ.

( خنده نمایندگان )

دادگر -- امیدوارم که اینطور نباشد. خود نمایندگان ملت که همان بلدیها را تشکیل میدهند با احتیاجات اهالی واقف هستند و مطابق احتیاجات آن حوزه کارهایشان را انجام میدهند. تمام احتیاجات را ملامت با آن محیطی که در آنجا نامزد شده اند اداره میکنند. در این هم نگرانی نیست در آن دهکده که میفرمائید گندمش را باید بخانه ببرد امیدواریم که نماینده او همان دهقان باشد که بالاخره مصاحبت عمومی آنها را رعایت کند و بنده به آقا عرض میکنم. حالا که میخواهید بلدیها استقلال قانونی داشته باشند بشرایط قانونی استقلال او هم عمل کنید. زیرا

بالاخره این بلدیها هم نماینده ملت هستند و يك کمی هم باو اختیار بدهید که روی پایش به ایستد اگر او را منتظر آینده بعید بگذارید و این چیزهایی که حائز است و در دنیا نظایر دارد مسکوت بگذارید آنوقت در نتیجه يك بلدیها خواهیم داشت با همین قیافه که الان داریم و این بالاخره به نظر بنده صریحاً عرض می کنم که اگر موافق مطالعاتی که ما کردیم ماده بیست و نه در مجلس تصویب نشود تقریباً این نهضتی که در باب اصلاح بلدیها شروع شده است لغو است و هیچگونه گشایش برای اصلاح بلدیها نخواهد شد. دو کار برای اصلاح بلدیها ضروری است. یکی تقسیم همان پول است بطور صحیح و به نسبت احتیاج تمام حوزه های بلدی و فرار از اتفاق و تصادف و اینطور نباشد که چون از آنجا زیاد قاطر رد شده است به آنجا زیادتر داد و جای دیگر هیچ نداشته باشد. زیرا انصافاً همه اهل يك مملکتی هستند و میبایستی به تقسیم صحیح ببرند که همه جا وسائل زندگانی داشته باشند. یکی هم این که اقل این منافذ مشروعی را که برای بلدیها باز می کنند که در همه جا معمول است و میتوانند این مقدار احتیاجات جزئی را برای ترفیه حالت خودشان رفع کنند اینها را به روی آنها سد نفرمائید. و البته راجع بوصول و وضع مالیات خصوصاً آن مالیات که بنام مملکت تحمیل میشود آنها را البته مجلس شورای ملی حاکم است. البته بلدیها هم قانون را رعایت میکنند و نگرانی هم نباید باشد و من گمان میکنم آقا زود تر از هر کس موافقت میفرمائید در آن چیزهایی که ما را بطرف اصلاح میکشاند.

رئیس -- پیشنهادی آقای مدرس کرده اند قرائت می شود.

( شرح ذیل قرائت شد )

پیشنهاد میکنم مذاکره در این ماده فعلاً مسکوت عنها باشد تا کامل شود و در خارج تصمیم قطعی با تمام



نظریات بشود

رئیس -- مخالفی ندارد؟

رئیس -- آقای مدرس .

( بعضی گفتند خیر )

مدرس -- مقصودم این است که در بیرون مطالعه کنیم

رئیس -- پس بقیه مذاکرات میباید برای جلسه بعد.

و اطرافش را بسنجیم و کاریکه میکنیم اساسی باشد.

( مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد )